

فرا تحلیل کمی و کیفی مقالات پژوهشی در حوزه شهرخلاق در کلان شهر تهران

دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۱/۱۲ پذیرش نهایی: ۱۴۰۰/۴/۶

صفحات: ۴۸۶-۴۵۵

آرزو مومنیان نجار: دانشجوی دکتری شهرسازی، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز، تبریز، ایران

Email: a.momenian@tabriziau.ac.ir

مرتضی میرغلامی: دانشیار گروه شهرسازی، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز، تبریز، ایران^۱

Email: m.mirgholami@tabriziau.ac.ir

آرژینا بلالی اسکویی: دانشیار گروه معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز، تبریز، ایران

Email: a.oskoyi@tabriziau.ac.ir

چکیده

شهرخلاق از رویکردهای جدید شهری است که امروزه در عصر جهانی شدن و توسعه شهری، اهمیت بسیاری یافته است و این اهمیت سبب شده که از جنبه‌های مختلف به آن پرداخته شود. در این زمینه پژوهش‌های متنوعی در حوزه برنامه‌ریزی شهری انجام شده که هر کدام از جنبه خاصی به موضوع توجه نموده است. شهر تهران یکی از شهرهایی است که رویکرد شهرخلاق برای آن از زوایای متفاوتی انجام شده است؛ بنابراین تحلیل و ارزیابی این پژوهش‌ها از جنبه‌های مختلف نظیر مقیاس مطالعه، روش تحقیق و نتایج حاصله ضروری است. هدف این پژوهش بررسی نظام‌مند مقالات تدوین شده درباره موضوع شهرخلاق برای شهر تهران به منظور شناسایی کمبودهای پژوهشی از یک سو و ترکیب نظام‌مند نتایج ارزشمند از سوی دیگر است. این پژوهش به صورت توأمان از روش‌های کمی و کیفی در قالب مرور نظام‌یافته منابع استفاده نموده و به این منظور از فراتحلیل کمی و کیفی بهره گرفته شد. داده‌های اولیه پژوهش نیز ۱۳ مقاله علمی پژوهشی هستند که با استفاده از نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شده‌اند. یافته‌های حاصل از بررسی کمی مقالات نشان می‌دهد که اغلب پژوهش‌های انجام شده در حوزه شهرخلاق به صورت کمی، اثبات‌گرایانه، غیر اکتشافی، دارای مقیاس کلان و کم‌توجه به شاخص‌های بومی هستند. همچنین نتایج کیفی پژوهش نشانگر آن است که شهر تهران علی‌رغم جایگاه نسبی مناسب از نظر شاخص‌های شهرخلاق از استانداردهای جهانی فاصله زیادی دارد و روندهای موجود نیز حرکت به سوی یک شهرخلاق را نشان نمی‌دهد؛ بنابراین به منظور دستیابی به شهرخلاق تهران لازم است در سطح بین‌المللی اصول رقابت و تعامل، در سطح ملی اصل تعادل، در سطح کلان‌شهر تهران اصل توسعه، در سطح محدوده‌های درون شهر اصل عدالت فضایی و در سطح محلات و فضاها شهری اصول کیفیت فضا و سرزندگی را مدنظر قرار داد.

کلید واژگان: طبقه خلاق، اقتصاد خلاق، صنایع فرهنگی خلاق، آینده‌نگاری شهرخلاق

۱ - تبریز- خیابان آزادی- میدان حکیم نظامی- دانشگاه هنر اسلامی تبریز، گروه معماری و شهرسازی، کد پستی: ۵۱۶۴۷۳۶۹۳۱، شماره تلفن: ۰۹۱۰۴۱۲۰۰۳۴، شماره همراه: ۰۴۱۳۵۵۳۹۲۰۷

مقدمه

با وقوع انقلاب اطلاعاتی و ورود به عصر جهانی شدن و اقتصاد دانش‌بنیان، راهبردهای توسعه شهری نیز دستخوش تغییر و تحول شده‌اند. در این دوره به جای تأکید بر منابع طبیعی و یا صنایع سنگین، سرمایه اقتصادی، توسعه هر شهر بر مبنای مهارت‌ها و ایده‌های افراد ساکن در آن تعیین می‌شود (لندری^۱، ۲۰۰۸؛ هویمان و فیرسی^۲، ۲۰۰۹). به بیان دیگر در فرایند جهانی شدن، شهرهای مختلف در حال رقابت با یکدیگر جهت اشغال جایگاهی مناسب‌تر در سلسله‌مراتب شهرهای جهانی هستند و در دو دهه اخیر این رقابت بیشتر در زمینه‌های توسعه دانش‌بنیان، جذب صنایع فرهنگی و رویدادهای جهانی بوده است. حال این سؤال به ذهن متبادر می‌گردد که در این نظام رقابتی کدام رویکرد توسعه‌ای است که می‌تواند آینده کلان‌شهرها را تا حد زیادی پایدار کند و زمینه‌های توسعه همه‌جانبه آن‌ها را فراهم آورد؟ در راستای موضوع مطرح‌شده و توسعه پایدار شهرها تاکنون نظریه‌ها و رویکردهای مختلفی ارائه شده است. در این باره می‌توان به رویکردهایی مانند شهر سالم و شهرخلاق اشاره کرد (مهکویی و شیرانی، ۱۳۹۹: ۱۳۱).

«شهرخلاق» یکی از نظریه‌هایی است که در دو دهه اخیر قوت گرفته و سعی دارد که با تأکید بر مفاهیمی نظیر «طبقه خلاق»، «اقتصاد خلاق» و «صنایع فرهنگی خلاق» به ارائه راهبردهایی برای این موضوع بپردازد (آزاد و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۵۸). در همین راستا فلوریدا^۳ معتقد است که شهرهایی که بتوانند از طریق جذب طبقه خلاق موفق به ایجاد شبکه‌ها و خوشه‌های خلاق شوند؛ به مکان کلیدی در اقتصاد جهانی تبدیل خواهند شد (فلوریدا، ۲۰۰۸). خلاقیت با زتاب‌های زیادی را در مطالعات شهری و منطقه‌ای به دست آورده است و مفاهیم جدیدی همچون «طبقه خلاق»، «صنایع خلاق»، «محیط خلاق» و «شهرخلاق» را به ادبیات برنامه‌ریزی افزوده است (پوراحمد و فتوحی مهربانی، ۱۳۹۸: ۴۵). با در نظر گرفتن این مفاهیم و ارائه آن‌ها توسط سیاست‌گذاران و مشاوران آن‌ها، عصر حاضر در حال یک گذار اقتصادی-اجتماعی است. گذاری که در آن خلاقیت موتور محرکه رشد اقتصاد شهری، منطقه‌ای و ملی است (زنگنه شهرکی و فتوحی مهربانی، ۱۳۹۷: ۱۲۸). در این راستا خلاقیت شهری می‌تواند به عنوان یک چتر در نظر گرفته شود، مفهومی که ابعاد مختلف خلاقیت از خلاقیت اقتصادی و اجتماعی تا خلاقیت و نوآوری فناورانه را شامل می‌شود.

اگر در گذشته رقابت در سطح کشورها و برای جذب کارگران ماهر و غیرماهر بود، امروزه رقابت اصلی در شهرها و برای جذب کسانی است که در زمینه تکنولوژی، امور فرهنگی و هنری متخصص هستند. شهرها سعی می‌کنند محیطی را فراهم آورند که متخصصان به زندگی در آن‌ها ترغیب شوند و در مقابل تخصص خود را بدون دغدغه در اختیار جامعه قرار دهند (مافی و همکاران، ۱۳۹۷) اما تنها شهرهایی در این زمینه موفق می‌شوند که بتوانند ترجیحات فضایی طبقه خلاق را شناسایی کرده و برای آن برنامه‌ریزی کنند؛ بنابراین شهرخلاق با تمرکز بر برنامه‌ریزی انسانی و فرهنگی در شهرها سعی در توسعه شهری با محوریت جذب طبقه‌ی

1. Landry
2. Hoyman & Faricy
3. Florida

خلاق، توسعه صنایع خلاق و صنایع فرهنگی و در نهایت رشد اقتصاد بر مبنای خلاق دارد (اسدی و سامی، ۱۳۹۷: ۱۵).

موضوع شهرخلاق همان‌گونه که بیان شد، در طی دهه گذشته اهمیت زیادی یافته است و این رویکرد در سطح ملی و شهرهای کشور نیز به طرق مختلف قابل‌رديابی است؛ چراکه شهرها و منطقه‌های خلاق رشد اقتصاد کشور را باعث می‌شوند (دل انگیزان و همکاران، ۱۳۹۷: ۱) و بر همین اساس این رویکرد در سطح ملی و برای شهرهای مختلف مورد تأکید قرار گرفته است. نگاهی گذرا به وضعیت کشور و آمار و ارقام نشان می‌دهد که بیشتر طبقات تحصیل کرده و گروه‌های خلاق هر ساله به سمت کلان‌شهرهای کشور و یا تهران به‌عنوان پایتخت مهاجرت می‌کنند و شکلی از عدم تعادل فضایی از نظر نیروی انسانی خلاق در سطح کشور به وجود می‌آید. در بخش درونی شهر تهران نیز طبقات خلاق بر اساس ترجیحات فضایی مختلف خود، در مناطق و محلات خاصی را جهت سکونت یا فعالیت انتخاب می‌کنند و این موضوع به قطبی شدگی فضایی منابع خلاقیت شهری در تهران دامن می‌زند. در حقیقت شهر تهران به دلیل جاذبه‌هایی که از نظر اقتصادی و اجتماعی دارد، افراد از مناطق و شهرهای مختلف کشور را به سمت خود جذب می‌نماید و این موضوع یک فاصله طبقاتی زیاد را بین نیروهای انسانی و به‌عبارت‌دیگر طبقه خلاق در سطح مناطق مختلف کشور ایجاد نموده است.

کلان‌شهر تهران به‌عنوان پایتخت کشور، پرجمعیت‌ترین و مهم‌ترین کلان‌شهر کشور و مرکز تحولات عمده اقتصادی، سیاسی و فرهنگی کشور است. هرچند که این شهر دارای یک اثر ثبت‌شده در یونسکو، ۳۰۲ اثر ملموس فرهنگی، معنوی و طبیعی ثبت‌شده ملی، ۲۰ اثر ناملموس فرهنگی ثبت‌شده استانی، ۸۵ موزه، ۴۱ فرهنگسرا، ۱۸۰ مرکز آموزش عالی و ۲۴ پارک علم و فناوری است (امینی و همکاران، ۱۴۰۰) و به همین علت نیز بخش زیادی از جمعیت تحصیل کرده و نخبگان کشور را به خود جذب کرده است اما هنوز فاصله زیادی با استانداردهای میزان خلاقیت و شاخص‌های شهرخلاق جهانی دارد و سالانه مهاجرت بخش زیادی از طبقه تحصیل کرده به خارج از کشور مؤید این مطلب است. بر اساس آمارهای بین‌المللی نیز در سال ۲۰۲۰ ایران از نظر میزان فرار مغزها در رتبه ۴۴ قرار دارد (سعیدی و ندائی طوسی، ۱۴۰۰).

با توجه به اهمیت نکات اشاره‌شده در زمینه شهر تهران و با بروز رویکرد شهرخلاق، کلان‌شهر تهران بیش از هر شهری دیگر بر اساس این رویکرد بررسی و مطالعه شده است؛ چراکه بستر مناسب تحقیقاتی قابل‌لمس و درک درستی از رویکرد شهرخلاق می‌تواند باشد. برخورداری از ظرفیت‌های صنایع گوناگون، اقتصاد رقابتی، جذب سرمایه انسانی از مناطق دیگر، تنوع فرهنگی و جاذبه‌های تاریخی، وجود زیرساخت‌های توسعه‌ای و متنوع بودن فضاهای شهری از مهم‌ترین موارد بارزی است که می‌توان به‌عنوان یک نمونه قابل‌بررسی در پژوهش‌های مربوط به رویکرد شهرخلاق شناخته و تبدیل شود. برای نمونه تحقیقات زنگنه شهرکی و فتوحی (۱۳۹۷)؛ زنگنه شهرکی و همکاران (۱۳۹۵)؛ ارمنندی (۱۳۹۷)؛ آزاد و همکاران (۱۳۹۸)؛ امینی قشلاقی و همکاران (۱۴۰۰)؛ سهرابی و ایلانلو (۱۴۰۱)؛ نجفی منش و اشرفی (۱۳۹۸)؛ الیاسی (۱۳۹۵)؛ از جنبه‌های مختلف به رویکرد شهرخلاق برای شهر تهران تأکید نموده‌اند. اینکه هرکدام از این تحقیقات کدام زمینه از شهر تهران را بررسی نموده‌اند و نوع روش‌شناسی و نتایج آن نیز چگونه بوده است می‌تواند دارای اهمیت باشد. علاوه بر این کنکاش در این تحقیقات زمینه را برای تحقیقات دیگر و در حقیقت برای تحقیقاتی که ضرورتی بیشتری دارد فراهم

می‌نماید. با جمع‌بندی که از تحقیقات انجام‌شده با رویکرد شهرخلاق برای شهر تهران انجام‌شده می‌توان گپ مطالعاتی در این زمینه را مشخص نمود و ذهن محققان را نیز نسبت به مطالعات آینده روشن نمود. بر این اساس در طول یک دهه گذشته موضوع شهرخلاق به‌طور کلی و شهر تهران به‌صورت خاص موضوع پژوهش‌هایی در مقیاس‌های مختلف، با رویکردها و روش‌های متفاوت و با به‌کارگیری ابعاد، شاخص‌ها و اهداف متنوع بوده است. با توجه به مطالب فوق‌الذکر سؤالات زیر درباره کلان‌شهر تهران به ذهن متبادر می‌گردد:

وضعیت پژوهش‌های مرتبط با شهرخلاق در کلان‌شهر تهران چگونه است؟ چه کمبودهای پژوهشی وجود دارد؟ وضعیت کلان‌شهر تهران از نظر شاخص‌های شهرخلاق در مقایسه با کلان‌شهرهای توسعه‌یافته چگونه است؟ وضعیت کلان‌شهر تهران از نظر شاخص‌های شهرخلاق در مقایسه با سایر شهرها و کلان‌شهرهای کشور چگونه است؟ وضعیت شاخص‌های شهرخلاق در بین مناطق ۲۲ گانه کلان‌شهر تهران چگونه است؟ ویژگی‌های فضاگزینی طبقه خلاق در کلان‌شهر تهران چیست؟ و این طبقه معمولاً در کدام مناطق یا نواحی کلان‌شهر تهران یا حومه سکونت دارد؟ آینده‌نگاری کلان‌شهر تهران از نظر حرکت به سمت شهرخلاق چگونه ارزیابی می‌شود؟

در این تحقیق علاوه بر اینکه به دنبال پاسخ‌دهی به سؤالات مطرح‌شده هستیم، سعی شده که تحقیقات این حوزه از جنبه‌های مختلف کمی و کیفی بودن، روش‌شناسی، نتایج و دیدگاه‌های حاکم بر این تحقیقات مورد کنکاش قرار گیرد.

ادبیات نظری

بررسی مبانی نظری و نظریات در حوزه شهرخلاق، عمر طولانی ندارد. اولین با «دبور» در سال ۱۹۶۷ مبحثی را تحت عنوان «شهر نمایش» مطرح کرد که این موضوع زیربنای شهرخلاق در دهه‌های بعد شد. در حقیقت ایده شهرخلاق را نخستین بار لندری در اواخر دهه هشتاد میلادی صورت‌بندی شد. بر اساس نظریه لندری شهرخلاق بر اساس تخیل مردم استوار است. در این شهر، فرهنگ به دلیل اعطای ویژگی‌های منحصر‌به‌فرد به یک مکان نقش اساسی ایفا می‌کند (لندری، ۲۰۰۸).

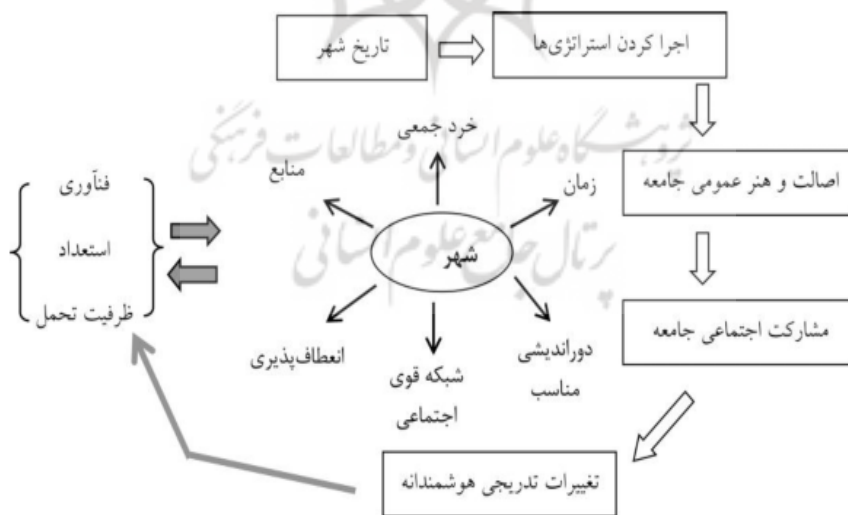
به‌طور کلی چهار تلقی از شهرخلاق وجود دارد: (۱) شهرخلاق به‌منزله مکان تمرکز زیرساخت‌های صنایع خلاق و فرهنگی، (۲) شهرخلاق به‌منزله مکان فعالیت اقتصاد خلاق، (۳) شهرخلاق به‌منزله مکان تجمع طبقه خلاق و (۴) شهرخلاق به‌منزله مکان پرورش فرهنگ خلاقیت (فاسکو جرارد^۱، ۲۰۱۱) این رویکردهای چهارگانه علی‌رغم تفاوت با یکدیگر همپوشانی زیادی نیز دارند که به‌طور مختصر در جدول (۱) قابل مشاهده است.

جدول (۱). رویکردهای مختلف به شهرخلاق

^۱. Fusco Girard, 2011

شرح	رویکرد
-تأکید بر صنایع خلاق و فرهنگی نظیر تبلیغات، معماری، هنرها و عتیقه، صنایع دستی، طراحی، طراحی مد، فیلم، ویدئو و عکاسی، نرم افزار، بازی های رایانه ای و نشر الکترونیکی، موسیقی، هنرهای نمایشی و بصری، چاپ و نشر، تلویزیون و رادیو	مکان تمرکز صنایع خلاق
-تأکید بر شاخص خلاقیت برآمده از (۱) قابلیت ترکیب شدن دستاوردهای نظری با نوآوری های عملی، (۲) وجود صنایع فوق پیشرفته، (۳) میزان نوآوری به ازای هر فرد (۴) تنوع در قومیت، مذهب، نژاد، سلیقه و سبک زندگی.	مکان فعالیت اقتصاد خلاق
-تأکید بر طبقات خلاق شامل «هسته فوق العاده خلاق» نظیر دانشمندان، مهندسان، اساتید دانشگاهی، رمان نویسندگان، هنرمندان، گروه مشاوران، محققان سایر نخبگان و «حرفه ای های خلاق» نظیر شاغلان صنایع دانش محور، خدمات مالی، خدمات بهداشتی و حقوقی و مدیریت تجاری -تأکید بر «فناوری»، «استعداد» و «تساهل»	مکان تجمع طبقه خلاق
-تأکید بر فرهنگ خلاق، زندگی روزمره خلاق، بیان خلاقیت در تمامی اشکال	مکان پرورش فرهنگ خلاقیت

فلسفه شهر خلاق آن است که در هر شهری همیشه ظرفیتی بسیار بیشتر از آنچه ما در وهله اول تصور می کنیم، وجود دارد. اگر بتوانیم شرایطی فراهم کنیم که مردم بتوانند بر اساس تخیلات بلندپروازانه فکر، برنامه ریزی عمل کنند و فرصت های توسعه به طور مداوم تکامل یابد، می توانیم به تحقق شهر خلاق نزدیک تر شویم. این فرصت ها دربرگیرنده اقدام هایی برای تولید ثروت و افزایش بازدهی اقتصادی، ارتقای زیبایی های بصری در محیط شهری یا حل مسائل اجتماعی باشند. در واقع متغیرهای شهر خلاق عبارت است از فناوری، استعداد و سطح تحمل که در بین طبقه خلاق بسیار پراهمیت و بارزتر می باشند. اگرچه این سه متغیر به تنهایی منجر به خلاقیت نمی شود. ولی آن ها به عنوان عامل های جذب کننده و شکل دهنده به شهر و قرار دهنده آن به سمت شهر خلاق عمل می کنند شکل (۱) (اقبالی و همکاران، ۱۳۹۴: ۶۹).



شکل (۱). فرآیند برنامه ریزی در راستای تحقق یک شهر خلاق (اقبالی و همکاران، ۱۳۹۴: ۶۹)

مفهوم شهرهای خلاق با بسیاری از مفاهیم پیوند خورده است؛ از جمله آن می توان به جایگاه تنوع اجتماعی در شهر خلاق (ربانی خوراسکانی و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۵۹) اشاره کرد. صنعت شهرها و مناطق خلاق مشتمل بر

صنایع فرهنگی، چندرسانه‌ای و خدمات برتر و در مقیاس حوزه‌های محلی بیشتر در صنایع دستی و بومی خلاصه می‌شود (رفیعیان و همکاران، ۱۳۸۹: ۲۳۷). کلیدی‌ترین متغیرهای شهرخلاق از دیدگاه ریچارد فلوریدا به شرح ذیل است.

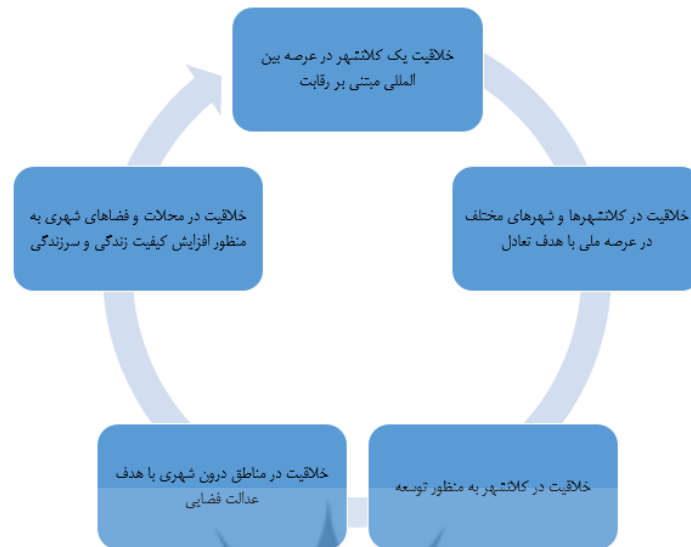
۱- فناوری: فناوری کلید رشد اقتصادی است. رابرت سلو به خاطر پژوهش در همین زمینه و تأکید بر فناوری به‌عنوان نیروی محرکه رشد اقتصادی، جایزه نوبل را از آن خود کرد.

۲- استعداد: استعداد دومین متغیر عمده فرمول فلوریدا است. رابرت لوکاس معتقد است که رشد حاصل سرمایه انسانی است. این دیدگاه مطابق با نظرگاه/ ادوارد گلیسر اقتصاددان دانشگاه هاروارد است. بر اساس این دیدگاه، نقش اصلی شهرها در تقویت سرمایه اجتماعی نهفته است.

۳- تسامح و تساهل فرهنگی: عامل سوم مشتمل بر تساهل و تسامح می‌باشد که عاملی کلیدی در توانمند ساختن مکانی برای به حرکت در آوردن و جذب فناوری و استعداد است. اگرچه اقتصاددان‌ها همیشه برخی از اشکال تکنولوژی و استعداد را به‌عنوان محرک‌های مهم رشد اقتصادی در نظر می‌گیرند، اما باید برای تسامح و تساهل نیز به‌اندازه عوامل مرسوم‌تر تولید مانند مواد خام اهمیت قائل شد (رفیعیان و شعبانی، ۱۳۹۴: ۲۵-۲۴).

امروزه شهرها و مناطق خلاق باعث رشد و توسعه اقتصادی کشور می‌شوند. به همین دلیل است که مفهوم خلاقیت در مطالعات شهری و منطقه‌ای جایگاه ویژه‌ای به دست آورده است. از این رو شناخت و تقویت معیارها و شاخص‌های خلاقیت منطقه بسیار حائز اهمیت می‌باشد. نظریه‌ها و مطالعات مختلفی بیان‌کننده تأثیر خلاقیت بر رشد اقتصادی شهرها و مناطق می‌باشند. مطالعاتی که نشان می‌دهند بهبود شاخص خلاقیت و افزایش خلاقیت شهر و منطقه تأثیر مثبت و معناداری بر رشد اقتصادی شهر و منطقه خواهد داشت. (خداپرست شیرازی و ذبیحی دان، ۱۳۹۹: ۴۳).

با توجه به مطالب ذکر شده می‌توان گفت که موضوع شهرخلاق را می‌توان در سطوح و مقیاس‌های مختلف مورد بررسی قرار داد. یک کلان‌شهر نظیر تهران نیاز دارد تا با توجه به رقابت شهرها در عرصه بین‌المللی دارای سطح مناسبی از خلاقیت در قیاس با سایر کلان‌شهرهای دنیا باشد و مکان جاذبی برای طبقه خلاق تلقی شود. از سوی دیگر در عرصه ملی باید سازوکارهای خلاقیت شهری و تفاوت بین شهرها و کلان‌شهرهای مختلف به‌گونه‌ای باشد که تورم طبقه خلاق در یک شهر ایجاد نشود تا تعادل فضایی در سطوح ملی و منطقه‌ای حاصل شود. در حوزه‌ی درون‌شهری نیز انواع گوناگون خلاقیت و منابع متنوع آن (خلاقیت فرهنگی، مذهبی، هنر و معماری، رسانه، تبلیغات، رویدادها و غیره) باید موجبات عدالت فضایی در شهر را فراهم آورد و در نهایت وجود محلات و فضاهای شهری خلاق در مناطق و بافت‌های گوناگون شهر می‌تواند عرضه‌کننده «کیفیت» و «سرزندگی» در فضاهای شهری باشد. مدل مفهومی پژوهش مبتنی بر این جمع‌بندی در شکل (۲) ارائه شده است.



شکل (۲). مدل مفهومی پژوهش، اهداف یک کلان شهر خلاق در سطوح و مقیاس های مختلف

پیشینه تحقیق

بررسی پیشینه پژوهش نشان می دهد که در سال های اخیر روایت گسترده ای درباره شهر خلاق در سیاست های شهری و منطقه ای به وجود آمده است که ابتدا توسط لندری (۲۰۰۰) و فلوریدا (۲۰۰۲) طرح گردید و توسط پژوهش های افرادی نظیر هال^۱ (۲۰۰۴)، اسکات^۲ (۲۰۰۶)، مارکوزن^۳ (۲۰۰۶)، پرت^۴ (۲۰۰۸) و کونگ^۵ (۲۰۱۴) ادامه یافته است. در ادامه به تعدادی از پژوهش های متأخر در رابطه با شهر خلاق در ادبیات جهانی اشاره می شود. والرینو و مولدوینو (۲۰۱۶) در پژوهشی با عنوان "شهرهای خلاق - الگویی از برنامه ریزی پایدار" بیان می کند شهرها نقش مهمی در توسعه پایدار محلات دارند. با توجه به ظرفیت ها و عملکردهای پیچیده آن ها، می توانند نوآوری اقتصادی و خلاقیت فرهنگی، استفاده از هوش جمعی، آموزش مهارت های محلی کارآفرینی و فکری را تحریک کنند. شبکه ها و انجمن ها (به عنوان مثال شبکه شهرهای خلاق)، مراکز عمده تعالی شهری، تنوع فرهنگی و مدل های موفقیت آمیز مشارکت را تقویت می کنند و با تحریک انرژی های سازنده از مشاغل خلاق و توسعه پایدار مناطق شهری حمایت می کنند. نیکولا ولز^۶ (۲۰۱۸) در پژوهش خود با عنوان «جهانی سازی کیپ تاون مبتنی بر طراحی: مواجهه با شهر خلاق» بر این اعتقاد است که با توجه به فرایندهای جهانی شدن دولت های ملی به سمت منطق های حاکمیت کارآفرینانه و الزامات توسعه مبتنی بر بازار حرکت

- 1 . Hall
- 2 . Scott
- 3 . Markusen
- 4 . Pratt
- 5 . Kong
- 6 . Nkula-Wenz

می‌کنند. بر این اساس لازم است تا مشخص شود که شهرخلاق چگونه پایه‌گذاری شده است، چگونه بازصورت-بندی می‌شود و در نهایت چگونه در شهرهای جهان جنوب محقق می‌گردد. بدین ترتیب محقق با بررسی شهر کیپ‌تاون آفریقای جنوبی به‌عنوان اولین پایتخت طراحی در قاره آفریقا، سه رشته از مطالعات را در سطح جهانی، شهری و ارتباط بین آن‌ها را تحلیل می‌کند. به‌طور کلی این مقاله نشان می‌دهد که تحقیقات آینده درباره درک پارادایم شهرخلاق به‌عنوان یک ابزار جهانی‌سازی قدرتمند که پاسخ‌هایی مبتنی بر مکان تولید می‌کند؛ در عین شکسته بودن بسیار جاه‌طلبانه هستند و می‌توانند در دستور کار شهرهای جهان جنوب قرار گیرند. گولدربرگ میلر (۲۰۱۹) در تحقیقی با عنوان "استراتژی‌های شهرخلاق در دستور کار شهرداری در نیویورک"، بیان می‌کند استراتژی‌های شهرخلاق چیست و چگونه می‌توانند جایگاهی در دستور کار شهرداری داشته باشند؟ در این راستا داده‌های حاصل از ۲۱ مصاحبه نیمه ساختاریافته با سیاست‌گذاران اصلی، رهبران غیردولتی، توسعه‌دهندگان را همراه با مطالب بایگانی و تاریخی برای کشف روش‌های استفاده از مداخلات شهرهای خلاق در طول دهه ۲۰۰۰ در نیویورک تجزیه و تحلیل می‌کند و با استفاده از تئوری تنظیم دستور کار چند جریان، شواهدی از شهرسازی خلاق و سیاست فرهنگی در دستور کار شهرداری نیویورک را شناسایی می‌کند. در نهایت بیان می‌کند جذابیت شهری متشکل از عوامل زیرساختی از جمله محیط فرهنگی ساخته‌شده، امکانات هنری، گزینه‌های زندگی / کار و فرصت‌های شکوفایی طبقه خلاق و همچنین عوامل نرم مانند "خنکی" یک شهر، جذابیت آن به‌عنوان یک مقصد گردشگری و فرصت‌های فرهنگی متعددی که یک مرکز شهری را حیاتی می‌کند. رودریگیز و فرانکو (۲۰۱۹) در تحقیقی با عنوان "شبکه‌ها و عملکرد شهرهای خلاق: یک تحلیل کتاب‌شناختی" یک مرور سیستماتیک از ادبیات مربوط به شبکه‌ها و عملکرد شهرهای خلاق، شامل یک تحلیل کتاب‌شناختی را انجام می‌دهد که نمونه نهایی ۱۰۲ مقاله منتشر شده را پوشش می‌دهد. نتایج نشان‌دهنده علاقه روزافزون به مفهوم شهرهای خلاق، شناسایی دو خوشه است: (۱) شهرهای خلاق و ارتباط آن‌ها با طبقه و فرهنگ خلاق؛ (۲) خوشه‌ها و شبکه‌های خلاقانه / فرهنگی. بر اساس شواهد به‌دست آمده، شکافی در مورد کمبود مطالعات در مورد عملکرد شهرهای خلاق و عوامل تعیین‌کننده مربوطه مانند شبکه‌ها باقی‌مانده است. برخی از مفاهیم نظری و عملی همراه با پیشنهادهایی برای تحقیقات آینده ارائه شده است. لنگ خو (۲۰۲۰) در طرحی با عنوان "به‌سوی یک شهرخلاق فراگیر: بررسی شهر تاریخی جورج تاون، پنانگ از نظر شاخص‌های شهرهای خلاق" شهر تاریخی جورج تاون، پنانگ در کشور مالزی را بررسی می‌کند؛ زیرا جورج تاون شهری متنوع از نظر فرهنگی است که دارای ویژگی‌های بسیاری است و مناسب شهرخلاق است؛ اما ده سال پس از آنکه کتیبه یونسکو یکپارچگی و اصالت این ویژگی‌ها را به چالش بکشد. یافته‌های این مطالعه نشان می‌دهد که جورج تاون به دلیل چالش‌های اجتماعی-مکانی و زمانی که این شهر با آن روبه‌رو است، به‌عنوان یک شهرخلاق فراگیر آماده نیست. در پایان این مقاله با ارائه تعریف مشخصی از مفهوم شهرخلاق برای جورج تاون یک سیاست فرهنگی همراه با ابعاد شهری، صنعتی، آموزشی و اجتماعی برای تضمین توسعه متوازن، پایدار و فراگیر انجام شده است. اوکونور و دیگران (۲۰۲۰) در طرحی با عنوان "شهرهای خلاق، کلاس‌های خلاق و مدرن جهانی"، بیان می‌کنند توسعه گفتمان "شهرهای خلاق" را به‌عنوان یک گفتگو که به‌طور فزاینده‌ای پیرامون "بلوک هژمونیک فراملی" سازمان‌یافته است. این گرایش به سمت

همگن سازی در طول تصویب، ترجمه و بداهه پردازی سیاست های شهرهای خلاق در سراسر جهان، با آرزوی "مدرن" بودن را دنبال می کند. مقاله با رد ادعاهای "طبقه خلاق"، به واسطه های فرهنگی و چگونگی عملکرد آن ها به عنوان یک جامعه معرفتی جهانی تحت مفهوم نوسازی متمرکز است. این مقاله استدلال می کند که ممکن است فقط پس از بازناندیشی بنیادین در یک تصور مدرنیزه و مبنای برداشت جدید از امکانات محلی، برای شهرها بتوانند گفتمان شهرخلاق را تغییر دهند. کاسادی و لی^۱ (۲۰۲۰) در پژوهش خود به بررسی بازنمایی و انعکاس صنایع خلاق در رسانه های اجتماعی در چهار شهر لندن، پاریس، میلان و نیویورک پرداخته اند. محققان در میان صنایع خلاق، صنعت مد را در تئوئیت ها تجزیه و تحلیل کرده اند. بررسی بیش از صد هزار تئوئیت در این شهرها نشان می دهد که صنعت مد علی رغم ارتباط با موضوعات غیرفضامند نظیر شهرت و برند تجاری، تمایل زیادی به داشتن رابطه دوطرفه با شهرها و مقوله مکان دارد به گونه ای که صنعت مد برای پیشبرد خود از اعتبار مکان استفاده می کند و از سوی دیگر مناطق شهری نیز خود را از طریق صنعت مد به بازار عرضه می کنند. بررسی تطبیقی چهار شهر نیز نشان می دهد که میلان و پاریس به عنوان مکان های تمرکز خانه های مد ملی، تولیدات صنایع دستی و مؤسسات سنتی مانند گالری ها در نزد مردم ادراک می شوند؛ در حالی که نیویورک بر رسانه ها و سرگرمی ها، طراحان مستقل و یک زندگی اجتماعی متراکم بازنمایی می شود. در این میان لندن دارای متنوع ترین شیوه های ادراک شده از نظر صنعت خلاق مد در بین این شهرها است و با رویدادهای متنوع، خرید، آموزش، جنبش های اجتماعی، مسائل سیاسی و خانواده سلطنتی بازنمایی می شود. راجکاپان^۲ (۲۰۲۱) در پژوهش خود تحت عنوان «از جاهای دیگر بیاموزید: جغرافیای رابطه ای یادگیری سیاست در منطقه خلاق بانکوک» منطقه خلاق این شهر را به عنوان یک منطقه برای یادگیری خطی مشی شهرخلاق به صورت فرامرزی بررسی کرده است. این مقاله به جای تحلیل منطقه خلاق به عنوان یک مکان محلی، خصلت فراملی سیاست گذاری را پیش می کشد. در این مقاله بر این اعتقاد است که درک محلی از خلاقیت را باید در یک رابطه جهانی- محلی تحلیل کرد.

بررسی پیشینه پژوهش های داخلی در زمینه شهرخلاق نشان می دهد که باوجود اینکه عمر چندان از نظریه شهرخلاق نمی گذرد اما به علت استقبال عمومی از این نظریه در مجامع علمی، کاربست های مختلفی از آن را می توان در موضوعاتی نظیر بازآفرینی شهری (شبانان و ایزدی، ۱۳۹۳)، گردشگری خلاق شهری (بذرافشان و بامری، ۱۳۹۷؛ زال و همکاران، ۱۳۹۷)، فضای عمومی خلاق برای افراد حاشیه ای شهر (اشرفی و رشیدی، ۱۳۹۸)، گردشگری خلاق هنرمحور (مهاجر و همکاران، ۱۳۹۷) مشاهده نمود.

نکته قابل ذکر آن است که بیشتر پژوهش های داخلی کاربردی، به ارزیابی یک مکان نظیر شهر، مناطق و محلات شهری یا فضای شهری از منظر شاخص های شهرخلاق پرداخته اند که از آن جمله می توان به مطالعاتی نظیر بررسی مناطق شهر سنندج (نظم فر و همکاران، ۱۳۹۵)، مناطق پنج گانه شهر زاهدان (ابراهیم زاده و نیری، ۱۳۹۷)، شهرهای استان یزد (ضرابی و همکاران، ۱۳۹۳)، سکونتگاه های شهری استان اردبیل (نظم فر و

1. Casadei and Lee

2. Rugkhampan

همکاران، ۱۳۹۶) و کلان‌شهرهای ایران (کلانتری و همکاران، ۱۳۹۵) اشاره نمود. بیشتر این پژوهش‌ها به‌گونه‌ای اثبات‌گرایانه، شاخص‌های جهانی شهرخلاق را در شهرهای ایرانی در مقیاس‌های مختلف و در بافت‌های مختلف موردسنجش قرار داده‌اند و رویکردهای تفسیری و انتقادی کمتر موردتوجه قرار گرفته است. دسته‌ای از پژوهش‌ها به بومی‌سازی شاخص‌های شهرخلاق پرداخته‌اند. فتوحی مهربانی و همکاران (۱۳۹۵) بر مبنای نظر گروه خبرگان و با استفاده از روش دلفی ۴۹ شاخص را به‌عنوان شاخص‌های شهرخلاق برگزیده‌اند که ۳۲ مورد آن در ادبیات جهانی نیز جای داشته و ۱۷ مورد نیز از گروه پانل به‌دست‌آمده است (فتوحی مهربانی، کلانتری و رجایی، ۱۳۹۵). مختاری ملک‌آبادی و همکاران (۱۳۹۴) نیز گامی در جهت تدوین شاخص‌های ایرانی-اسلامی شهرخلاق برداشته‌اند. روش بررسی در این پژوهش اسنادی بوده است و با برقراری پیوند بین مطالعات جهانی شهرخلاق و مطالعات شهر ایرانی اسلامی به تدوین شاخص‌های بومی پرداخته‌اند (مختاری ملک‌آبادی، مرصوصی، علی اکبری و امینی، ۱۳۹۴).

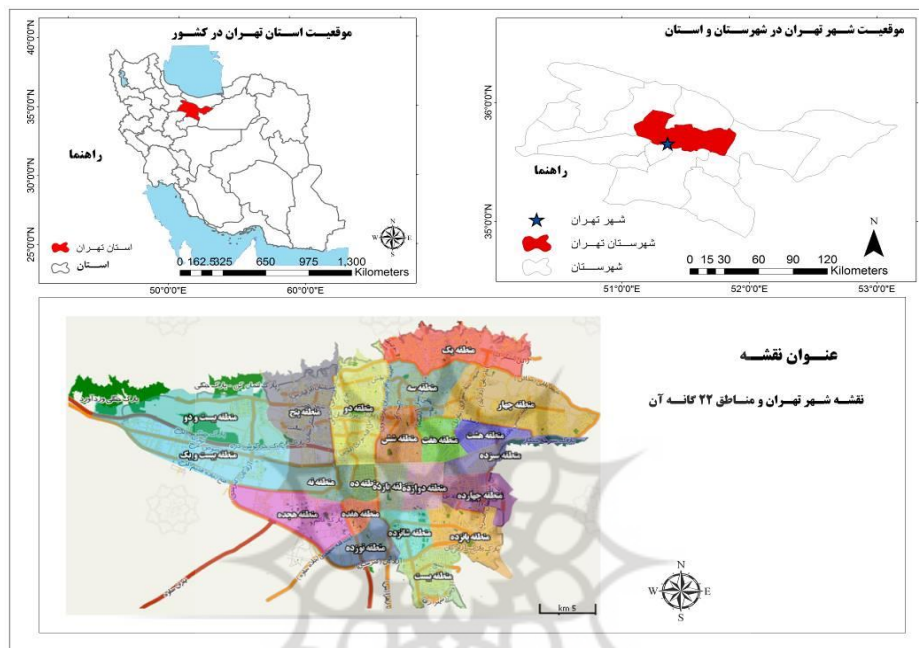
به‌منظور تحقق شهرخلاق نیز پژوهش‌های مختلف، راهبردهای متفاوتی را در دستور کار خود قرار داده‌اند. محمودی آذر و داوودپور (۱۳۹۷) از برن‌سازی شهری جهت تحقق شهرخلاق بهره برده‌اند درحالی‌که شاطریان و همکاران (۱۳۹۶) از توان گردشگری در گسترش زیرساخت‌ها جهت ایجاد شهرخلاق استفاده کرده‌اند. ربانی خوراسگانی و همکاران (۱۳۹۰) بر تنوع اجتماعی و رضاییگی ثانی و امین زاده (۱۳۹۷) بر خلاقیت اجتماعی در شهرخلاق تأکید دارند. صفوی و همکاران (۱۳۹۷) در پژوهش خود مجموعه‌ای از ابعاد اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی را در تحقق شهرخلاق مؤثر می‌دانند. همان‌طور که مشاهده می‌شود در تمامی این پژوهش‌ها با تأکید بر یک زمینه (گردشگری، تنوع اجتماعی و غیره) برخی از ابعاد شهرخلاق بسته به موضع مورد مطالعه مورد برنامه‌ریزی قرار گرفته است.

روش تحقیق

معرفی محدوده مورد مطالعه

کلان‌شهر تهران در پهنه‌ای بین دو وادی کوه و در دامنه‌های جنوبی البرز گسترده شده است. از نظر جغرافیایی نیز در ۵۱ درجه و ۱۷ دقیقه تا ۵۱ درجه و ۳۳ دقیقه طول خاوری و ۳۵ درجه و ۳۶ دقیقه تا ۳۵ درجه و ۴۴ دقیقه عرض شمالی قرار دارد. گستره کنونی کلان‌شهر تهران از ارتفاع ۹۰۰ تا ۱۸۰ متری از سطح دریا امتداد یافته است؛ این ارتفاع از شمال به جنوب کاهش می‌یابد. از دید ناهمواری‌های طبیعی، کلان‌شهر تهران به دو ناحیه کوهپایه‌ای و دشتی تقسیم می‌شود. کلان‌شهر تهران به ۲۲ منطقه و ۱۱۲ ناحیه شهری تقسیم شده است. باوجود اداره جداگانه، ری و شمیران نیز جزئی از کلان‌شهر تهران خوانده می‌شوند (نوری و همکاران، ۱۳۹۹: ۲۵۰). جمعیت کلان‌شهر تهران در سال ۱۳۹۵ بالغ بر ۸۶۹۴۰۰۰ نفر بوده است (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵). کلان‌شهر تهران بزرگ‌ترین و مهم‌ترین شهر ایران است. کلان‌شهر تهران به لحاظ مساحت، در رتبه ۱۲۵ کلان‌شهرهای دنیا قرار دارد؛ اما از نظر جمعیت در رتبه بیست و هشتم جهان قرار دارد. این بزرگی و موقعیت ویژه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و جغرافیایی آن و تمرکز امکانات (در مقایسه با سایر نقاط کشور) سبب شده بسیاری از مردم کشور (برای کار، تحصیل، درمان، انجام امور اداری، خرید یا فروش کالا و تفریح) به این شهر آمده و تدریجاً در آن ساکن شوند

(نوری و همکاران، ۱۳۹۹: ۲۵۳). محدوده مورد مطالعه این پژوهش مناطق ۲۲ گانه شهر تهران می باشد. با توجه به اینکه در این پژوهش از روش فراتحلیل استفاده می شود؛ جامعه آماری مقالات علمی مرتبط با شهرخلاق درباره کلان شهر تهران و مناطق بیست و دو گانه ای آن است (شکل ۳).



شکل (۳). نقشه محدوده مورد مطالعه و مناطق ۲۲ گانه شهر تهران

داده و روش کار

روش تحقیق توصیفی-تحلیلی و از نظر هدف کاربردی است. این تحقیق جز تحقیقات ترکیبی است که از روش فراتحلیل کمی جهت شناسایی و تحلیل وضعیت مقالات و شناسایی کمبودهای پژوهشی در زمینه شهرخلاق در تهران استفاده می کند. همچنین از روش فراتحلیل کیفی نیز جهت تحلیل وضعیت شهرخلاق در تهران در مقایسه با سایر شهرهای جهان، سایر کلان شهرها و شهرهای کشور و همچنین وضعیت خلاقیت و طبقه خلاق در درون شهر تهران بهره می برد. هر دو روش فراتحلیل کمی و کیفی در دسته پژوهش های مبتنی بر مرور ساختاریافته قرار می گیرند. فراتحلیل با نگاه تراکمی نسبت به فعالیت های پژوهشی سعی دارد که تصویری کلی از تحقیقات موجود در زمینه مورد نظر را ارائه دهد (کرمانی و همکاران، ۱۳۹۷) و به پژوهشگر این امکان را می دهد تا کمبودهای پژوهشی را شناسایی کند. در این پژوهش از آماره های توصیفی شامل فراوانی (تعداد) و درصد فراوانی در این مرحله استفاده می شود. فرایند به کارگیری روش فراتحلیل کمی در این پژوهش در جدول (۲) منعکس شده است.

همچنین به منظور مقایسه و ترکیب نتایج مقالات نگاشته شده درباره شهرخلاق در تهران از روش فراتحلیل کیفی استفاده شده است. در فراتحلیل کیفی سعی بر آن است تا نتایج پژوهش های پیشین به گونه ای جدید با

یکدیگر ادغام شود تا نتایج جدیدی حاصل گردد (برگده^۱، ۲۰۱۹). در این مرحله برخلاف رویکردهای کمی که معمولاً به ارزیابی یا برآورد میزان مداخلات از طریق ادغام داده‌های عددی آماری عمل می‌کنند؛ سعی می‌شود طبیعت یک پدیده کشف شود و درک درستی از موضوع مورد مطالعه از طریق یکپارچه‌سازی چندین مطالعه با یکدیگر گسترش یابد (رینگ^۲ و همکاران، ۲۰۱۱).

جدول (۲) موضوعات مورد بررسی در فراتحلیل کمی مقالات منتخب را نشان می‌دهد. جنبه‌های مختلف موضوع شامل موضوع محوری، مقیاس مطالعه، روش تحقیق، رویکرد پژوهش، نوع داده‌ها، نوع تحلیل، بستر تحقیق و ابعاد شهرخلاق مورد تأکید و بررسی قرار گرفته است. در حقیقت در مقالات بررسی شده سعی شده این موضوعات و ابعاد بررسی گردد. در ستون دوم جدول (۲) نیز متناسب با موضوعات بیان شده، دسته‌بندی آن‌ها ارائه شده است. جدول (۲) در حقیقت چارچوب این تحقیق را از نظر تحلیل مقالات انجام شده در زمینه رویکرد شهرخلاق برای شهر تهران نشان می‌دهد.

جدول (۲). موضوعات مورد بررسی در فراتحلیل کمی مقالات منتخب

موضوع	دسته‌بندی
موضوع محوری پژوهش	تحلیل ترجیحات فضایی طبقه خلاق، ارائه مدل و الگوی شهرخلاق، ارزیابی و رتبه‌بندی مکان‌ها بر اساس شاخص‌های شهرخلاق، آینده‌نگاری بر اساس رویکرد شهرخلاق، امکان‌سنجی شکل‌گیری شهرخلاق، مکان‌یابی پهنه‌های مستعد شهرخلاق
مقیاس مورد مطالعه	جهان، کشور، شهر، محله و فضای شهری
روش تحقیق بر اساس اهداف درونی پژوهش	بنیادی، توسعه‌ای، کاربردی
روش تحقیق بر اساس اهداف بیرونی پژوهش	توصیفی، اکتشافی، تبیینی، تبیینی-اکتشافی
رویکرد پژوهش	کمی، کیفی، آمیخته
پارادایم پژوهش	اثبات‌گرایانه، تفسیری، انتقادی، اثبات‌گرایانه-تفسیری
نوع داده‌های مورد استفاده در پژوهش	داده‌های اولیه، داده‌های ثانویه، داده‌های اولیه و ثانویه
نوع تحلیل مورد استفاده در پژوهش	آزمون فرض آماری، مدل‌سازی، مدل‌سازی و آزمون فرض، شاخص‌های اندازه‌گیری، آمار توصیفی، تحلیل محتوا
بستر پژوهش	فضای شهری خلاق، شهرخلاق، پهنه خلاق، صنایع فرهنگی خلاق، طبقه خلاق، ترکیبی
ابعاد شهرخلاق	اقتصادی، اجتماعی، کالبدی، کارکردی، فرهنگی، تکنولوژیکی، نهادی-سیاسی، زیست‌محیطی، تاریخی، طراحی معماری، مذهبی، ادراکی معنایی، سایر

جامعه آماری این پژوهش شامل همه پژوهش‌های علمی در قالب مقاله علمی پژوهشی است که در یک دهه اخیر درباره شهرخلاق در شهر تهران انتشار یافته‌اند. به‌منظور دستیابی به این مقالات ابتدا کلیدواژه‌های «شهرخلاق»، «فضای خلاق»، «محلّه‌خلاق» و «طبقه‌خلاق» در «پایگاه مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی»

1. Bergdah

2. Ring

جستجو گردید. در این مرحله ۷۳ مقاله شناسایی شد اما با بررسی عناوین و کلیدواژه این مقالات مشخص گردید که تنها ۱۳ مورد از این پژوهش‌ها مربوط به کلان شهر تهران می‌باشد. هرچند که تعداد مقالات چاپ شده درباره شهرخلاق و تهران پایین می‌باشد؛ اما شهر تهران در کنار اصفهان بالاترین میزان انتخاب به عنوان مورد مطالعه را دارد. ذکر این نکته مهم است که با توجه به انجام این پژوهش، مقالاتی که تا سال ۱۴۰۰ در دسترس بوده است مورد مطالعه قرار گرفته‌اند.

به منظور افزایش روایی و پایایی پژوهش، فعالیت‌هایی صورت گرفت: (۱) تأیید مقالات انتخاب شده توسط سه نفر متخصص (عضو هیئت علمی) به لحاظ علمی بودن و ارتباط کامل با موضوع، (۲) بازبینی نتایج توسط دو نفر متخصص (عضو هیئت علمی) به منظور جلوگیری از تحلیل‌های یک‌سویه و تطابق با مقالات اصلی، (۳) بازخوانی نتایج فرا تحلیل کیفی انجام شده توسط پژوهشگران و مقایسه دوباره با متن اصلی مقالات.

نتایج

در این بخش به ارائه نتایج پرداخته شد. ابتدا مطالعات انتخاب شده به صورت کمی تحلیل شد. سپس با استفاده از روش‌های کیفی موضوعات مختلف درباره شهر تهران و رویکرد شهرخلاق تجزیه و تحلیل گردید.

فرا تحلیل کمی مطالعات انجام شده درباره شهرخلاق تهران

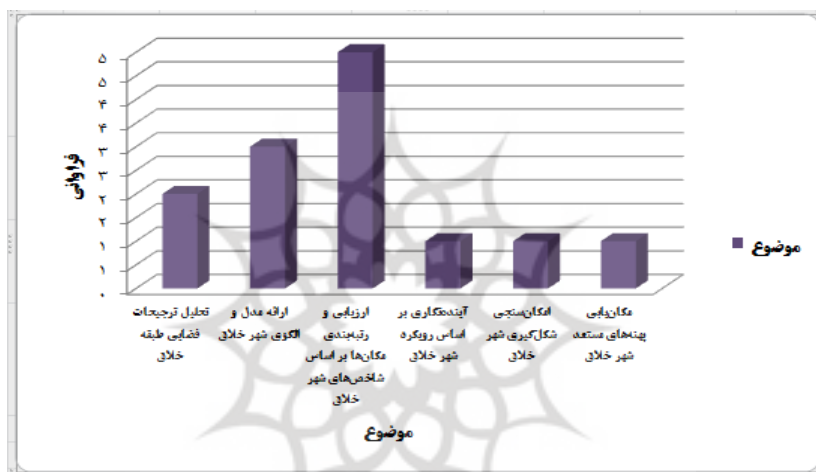
مطالعات موجود را می‌توان از جنبه‌های مختلف شامل «موضوع محوری پژوهش»، «مقیاس مورد مطالعه»، «اهداف درونی و بیرونی»، «رویکرد و پارادایم پژوهش»، «نوع داده‌های مورد استفاده»، «نوع تحلیل مورد استفاده»، «بستر پژوهش» و «ابعاد شهرخلاق» بررسی کرد.

موضوع محوری پژوهش

بررسی نتایج شاخص موضوع محوری ۱۳ پژوهش انجام شده در رابطه با تهران و شهرخلاق نشان می‌دهد که ۵ تحقیق معادل ۳۸/۴۶ درصد مطالعات به «ارزیابی و رتبه‌بندی مکان‌ها بر اساس شاخص‌های شهرخلاق» پرداخته‌اند. ۳ تحقیق (۲۳/۰۸ درصد) مدل و الگویی برای شهرخلاق ارائه کرده‌اند و ۲ پژوهش (۱۵/۳۸ درصد) نیز ترجیحات فضایی طبقه خلاق را بررسی نموده‌اند. ۳ زمینه دیگر در پژوهش‌های مرتبط با شهرخلاق برای شهر تهران وجود دارد که شامل آینده‌نگاری بر اساس رویکرد شهرخلاق، امکان‌سنجی شکل‌گیری شهرخلاق و مکان‌یابی پهنه‌های مستعد شهرخلاق می‌شود که در هر کدام از این موضوعات یک پژوهش انجام شده است. وضعیت کمی پژوهش‌ها از نظر موضوع محوری آن‌ها در جدول (۳) قابل مشاهده است؛ بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که بیشتر تحقیقات شهرخلاق برای کلان شهر تهران از نظر موضوعی، بیشتر سنجش وضعیت شاخص‌های شهرخلاق بوده است. ضعف‌های عمده در این زمینه در بحث الگو سنجی و تدوین شاخص‌های بومی برای این کلان شهر است شکل (۴).

جدول (۳). دسته‌بندی پژوهش‌های مورد بررسی از نظر موضوع محوری

موضوع	تعداد	درصد
تحلیل ترجیحات فضایی طبقه خلاق	۲	۱۵/۳۸
ارائه مدل و الگوی شهرخلاق	۳	۲۳/۰۸
ارزیابی و رتبه‌بندی مکان‌ها بر اساس شاخص‌های شهرخلاق	۵	۳۸/۴۶
آینده‌نگاری بر اساس رویکرد شهرخلاق	۱	۷/۶۹
امکان‌سنجی شکل‌گیری شهرخلاق	۱	۷/۶۹
مکان‌یابی پهنه‌های مستعد شهرخلاق	۱	۷/۶۹
جمع	۱۳	۱۰۰



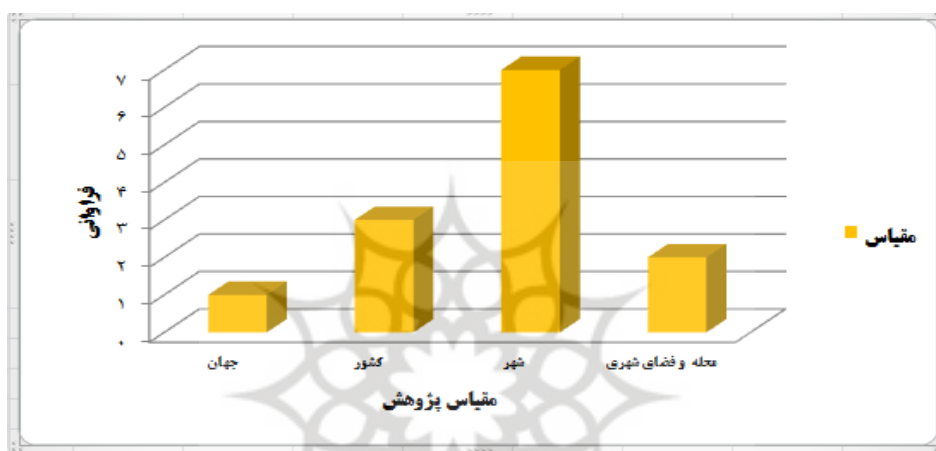
شکل (۴). توزیع فراوانی پژوهش‌های مورد بررسی از نظر موضوع محوری

مقیاس مورد مطالعه

بررسی پژوهش‌های مرتبط با شهرخلاق و کلان‌شهر تهران نشان می‌دهد که از نظر شاخص مقیاس، یک پژوهش به بررسی تطبیقی وضعیت شاخص‌های شهرخلاق در شهر تهران در قیاس با سایر شهرهای توسعه‌یافته‌ی جهان پرداخته است و در ۳ مورد دیگر شهر با سایر شهرها یا کلان‌شهرهای کشور مقایسه شده است. اغلب مطالعات از نظر مقیاس مورد مطالعه شهر تهران را به‌مثابه یک کل و یا مناطق ۲۲ گانه آن را مورد مطالعه قرار داده‌اند که بیش از نیمی از پژوهش‌ها را شامل می‌شود. ۲ پژوهش نیز محلات بافت تاریخی را از نظر شاخص‌های شهرخلاق مورد بررسی قرار داده‌اند. در حقیقت ۵۳/۸۴ درصد مطالعات به بررسی شهر تهران به‌صورت کلی تأکید نموده‌اند و تحقیقات کمی در سطوح خرد مانند محله و نواحی به موضوع شهرخلاق تأکید نموده‌اند؛ بنابراین نیاز و ضرورت بررسی محلات و نواحی شهر تهران از نظر رویکرد شهرخلاق و شناسایی ظرفیت‌ها می‌تواند در تحقیقات آینده مورد استفاده قرار گیرد (جدول (۴) و شکل (۵)).

جدول (۴). دسته‌بندی پژوهش‌های مورد بررسی از نظر مقیاس مطالعه

مقیاس مورد مطالعه	تعداد	درصد	شرح
جهان	۱	۷/۶۹	بررسی تطبیقی تهران و سایر شهرهای جهان
کشور	۳	۲۳/۰۷	بررسی تطبیقی تهران و سایر کلان‌شهرها یا شهرهای کشور
شهر	۷	۵۳/۸۴	بررسی شهر تهران به‌عنوان یک کل از نظر اصول و شاخص‌های شهرخلاق
محله و فضای شهری	۲	۱۵/۳۸	بررسی یک بافت خاص در شهر تهران نظیر بافت تاریخی
جمع	۱۳	۱۰۰	-



شکل (۵). توزیع فراوانی پژوهش‌های مورد بررسی از نظر مقیاس مطالعه

روش تحقیق از نظر اهداف درونی و بیرونی

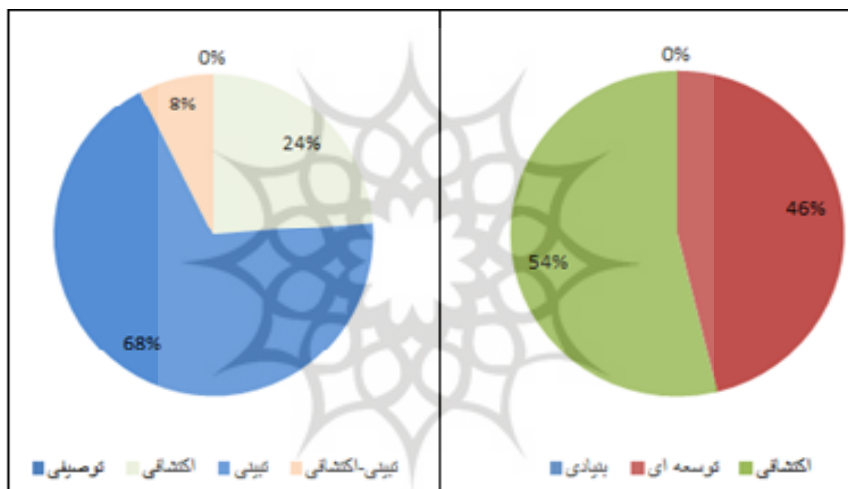
از نظر اهداف بیرونی، پژوهش‌ها در ۳ دسته تحقیقات بنیادی، توسعه‌ای و کاربردی طبقه‌بندی می‌شوند. بررسی ۱۳ مقاله در باب شهر تهران و رویکرد شهرخلاق نشان می‌دهد که ۷ پژوهش را تحقیقات کاربردی معادل ۵۳/۸۴ درصد و ۶ پژوهش را تحقیقات توسعه‌ای معادل ۴۶/۱۵ درصد تشکیل داده‌اند. تعداد نسبتاً مناسب پژوهش‌های توسعه در رابطه با شهرخلاق نشان می‌دهد که نزدیک به نیمی از محققان سعی در تحلیل شرایط بومی کشور و شهر تهران با معیارهای جهانی و عمومی شهرخلاق داشته‌اند. البته نمی‌توان از این نکته غافل شد که تحقیقات بنیادی در این زمینه انجام نشده است و به نظر می‌رسد که بومی‌سازی رویکرد شهرخلاق بر اساس چارچوب تحقیقات بنیادی نیز ضروری است.

از نظر اهداف درونی نیز پژوهش‌ها در سه دسته تحقیقات توصیفی، تبیینی و اکتشافی قرار می‌گیرند. بررسی نمونه‌های انتخاب شده حاکی از آن است که ۳ پژوهش اکتشافی (۲۳/۰۷ درصد) و ۹ پژوهش تبیینی (۶۹/۲۳ درصد) انجام شده است و یک پژوهش نیز به صورت توأمان از روش‌های اکتشافی و تبیینی (۷/۶۹ درصد) استفاده نموده است. با توجه به ویژگی‌های مختلف شهر تهران، به نظر می‌رسد که تحقیقات بیشتری بایستی بر اساس روش اکتشافی و تبیینی انجام شود؛ چراکه ریشه‌یابی بسیاری از مسائل و ارائه راهبرد مناسب نیازمند

تحقیقات اکتشافی و تبیینی است. دسته‌بندی پژوهش‌ها از نظر نوع روش تحقیق (از منظر اهداف درونی و بیرونی) در جدول (۵) و شکل (۶) منعکس شده است.

جدول (۵). دسته‌بندی پژوهش‌های موردبررسی از نظر روش تحقیق (اهداف درونی و بیرونی)

روش تحقیق از نظر هدف بیرونی	درصد	روش تحقیق از نظر هدف درونی	درصد
بنیادی	۰	توصیفی	۰
توسعه‌ای	۴۶/۱۵	اکتشافی	۲۳/۰۷
کاربردی	۵۳/۸۴	تبیینی	۶۹/۲۳
-	۰	تبیینی-اکتشافی	۷/۶۹
جمع	۱۰۰		۱۰۰
جمع	۱۰۰	-	



شکل (۶). توزیع فراوانی پژوهش‌های موردبررسی از نظر روش تحقیق (اهداف بیرونی و درونی)

رویکرد و پارادایم پژوهش

بررسی پژوهش‌های انجام‌شده در زمینه رویکرد شهرخلاق برای شهر تهران نشان می‌دهد که تحقیقات کمی نزدیک به ۶۹/۲۳ درصد پژوهش‌ها را به خود اختصاص می‌دهند و سهم اندکی به روش‌های کیفی و ترکیبی اختصاص یافته است. ۷/۶۹ درصد مطالعات به روش کیفی و ۲۳/۰۷ درصد نیز روش ترکیبی را استفاده نموده‌اند. با توجه به ویژگی‌های خاص ایران و شهر تهران نیاز به تحقیقات کیفی بیشتر در این زمینه وجود دارد. بررسی مقالات در این زمینه نیز نشان می‌دهد مقالاتی که از رویکرد کیفی استفاده کرده‌اند نتایج بومی و خاص‌تری را نسبت به پژوهش‌های کمی داشته‌اند.

از نظر پارادایم پژوهش، غلبه شدید با تحقیقات اثبات‌گرایانه و پوزیتیویستی است؛ به‌گونه‌ای که نزدیک به ۸۴/۶۱ درصد کل مقالات را شامل می‌شود. در این زمینه نیز نیاز به تحقیقات بیشتر در پارادایم‌های تفسیری و انتقادی است. به‌خصوص که با رویکرد انتقادی، تحقیقی مشاهده نشد. نکته قابل‌ذکر آن است که بسیاری از

پژوهش‌ها نتیجه گرفته‌اند که شهر خلاق نمی‌تواند بر نابرابری فضایی فاتق آید و این موضوع توجه به پارادایم انتقادی را بیش‌ازپیش ضروری می‌سازد. در جدول (۶) پژوهش‌های منتخب از نظر رویکرد و پارادایم توصیف شده‌اند.

جدول (۶). دسته‌بندی پژوهش‌های مورد بررسی از نظر رویکرد و پارادایم

رویکرد	درصد	پارادایم	درصد
کمی	۶۹/۲۳	اثبات‌گرایانه	۸۴/۶۱
کیفی	۷/۶۹	تفسیری	۷/۶۹
آمیخته	۲۳/۰۷	انتقادی	۰
-	۰	اثبات‌گرایانه-تفسیری	۷/۶۹
جمع	۱۰۰		۱۰۰

نوع داده‌های مورداستفاده

بررسی مقالات منتخب نشان می‌دهد که طیف متنوعی از منابع داده در پژوهش‌های انجام‌شده وجود دارد. نتیجه نشان می‌دهد که بیش از ۳۸/۴۶ درصد تحقیقات، از داده‌های اولیه (داده‌های حاصل از پرسش‌نامه، مصاحبه و...) برای بررسی موضوع استفاده نموده‌اند. در مقابل ۳۰/۷۶ درصد پژوهش‌های بررسی‌شده از داده‌های ثانویه یعنی داده‌های آماری و محاسبه نسبت‌های مختلف آمار و اعداد موجود بهره گرفته‌اند. نتیجه نشان می‌دهد که ۳۰/۷۶ درصد نیز از هر دو بخش داده‌های مبتنی بر آمار سازمانی و آمار مبتنی بر پرسش‌نامه و مصاحبه انجام‌شده است. در حقیقت بیش از یک‌سوم تحقیقات از روش ترکیبی داده‌ها استفاده نمود. به نظر می‌رسد که تحقیقات مبتنی بر داده‌های اولیه و ثانویه بایستی ارتقا یابد.

با توجه به حجم نمونه در مقالات مختلف مورد بررسی و فراتحلیل نتایج آن‌ها می‌توان گفت در این پژوهش از مجموع نظرات و داده‌های پژوهش‌های قبلی شامل ۸۵۷ پرسش‌نامه از مردم (رویکرد مخاطب محور)، ۲۷۵ پرسش‌نامه از خبرگان (رویکرد کارشناس محور) و ۲۸ مصاحبه با طبقات خلاق بهره برده است. نکته قابل ذکر در این زمینه کمبود شدید داده در مقیاس‌های مختلف است و یکی از دلایل اصلی کمبود مطالعات و مقالات در سطح محلات و نواحی شهری نیز فقر شدید داده در مقیاس‌های خرد است. نوع داده‌های مورداستفاده در پژوهش‌های سیزده‌گانه در جدول (۷) قابل مشاهده است.

جدول (۷). دسته‌بندی پژوهش‌های مورد بررسی از نظر نوع داده‌های مورداستفاده

نوع داده‌های مورداستفاده	تعداد	درصد
داده‌های اولیه	۵	۳۸/۴۶
داده‌های ثانویه	۴	۳۰/۷۶
داده‌های اولیه و ثانویه	۴	۳۰/۷۶
جمع	۱۳	۱۰۰

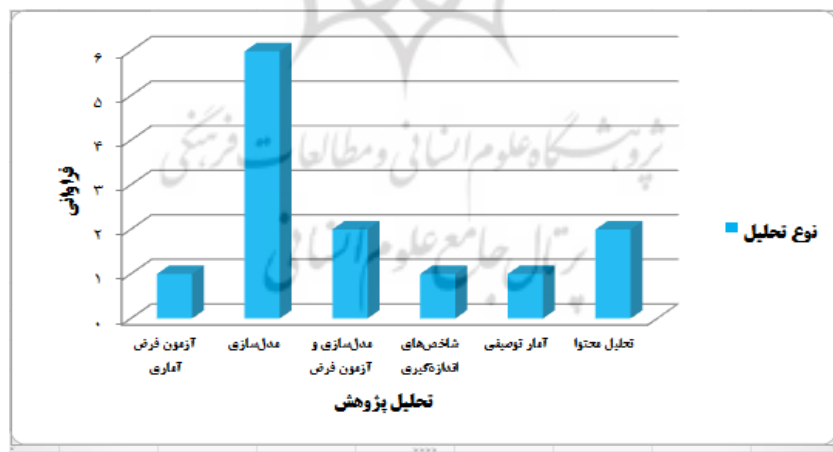
روش تحلیل داده‌ها

بررسی ۱۳ تحقیق بررسی‌شده نشان می‌دهد که با توجه به غلبه پژوهش‌های اثبات‌گرایانه و کمی، آزمون فرض آماری و مدل‌سازی بیشترین فراوانی را جهت تحلیل داده‌ها داشته‌اند. بیش از ۷/۶۰ درصد از آزمون آماری و

۴۶/۱۵ درصد نیز از مدل‌سازی استفاده نموده‌اند. علاوه بر این ۱۵/۳۸ درصد نیز از هر دو روش بهره گرفته‌اند. در آزمون‌های فرض (آماري) بیشترین آزمون مورد استفاده، آزمون تی تک نمونه‌ای بوده که یک آزمون پارامتریک محسوب می‌شود و مبنای آن مقایسه بر اساس میانگین و حد متوسط است. در مقالات مبتنی بر مدل‌سازی، مدل‌های تصمیم‌گیری چند معیاره نظیر فرایند تحلیل سلسله‌مراتبی، فرایند تحلیل شبکه، مدل تاپسیس و یا ترکیبی از این مدل‌ها دارای بالاترین فراوانی است. در یک پژوهش از شاخص موران استفاده شده است. در پژوهش‌های مبتنی بر رویکرد کیفی نیز روش تحلیل محتوا، بیشترین کاربرد را داشته است. به نظر می‌رسد از روش تحلیل محتوا و روش‌های تحلیل کیفی کمتر استفاده شده است؛ دلیل اصلی آن نیز این موضوع است که سعی شده بیشتر از داده‌های سازمانی و همچنین پرسش‌نامه استفاده گردد. کمبود تحقیقات با روش تحلیل محتوا و روش‌های کیفی یک ضعف است که بایستی با تقویت مطالعات بنیادی، مرتفع شود. وضعیت روش تحلیل داده‌ها در پژوهش‌های منتخب در جدول (۸) و شکل (۷) منعکس شده است.

جدول (۸). دسته‌بندی پژوهش‌های مورد بررسی از نظر نوع تحلیل مورد استفاده

نوع تحلیل مورد استفاده	تعداد	درصد
آزمون فرض آماری	۱	۷/۶۹
مدل‌سازی	۶	۴۶/۱۵
مدل‌سازی و آزمون فرض	۲	۱۵/۳۸
شاخص‌های اندازه‌گیری	۱	۷/۶۹
آمار توصیفی	۱	۷/۶۹
تحلیل محتوا	۲	۱۵/۳۸
جمع	۱۳	۱۰۰



شکل (۷). توزیع فراوانی پژوهش‌های مورد بررسی از نظر نوع تحلیل

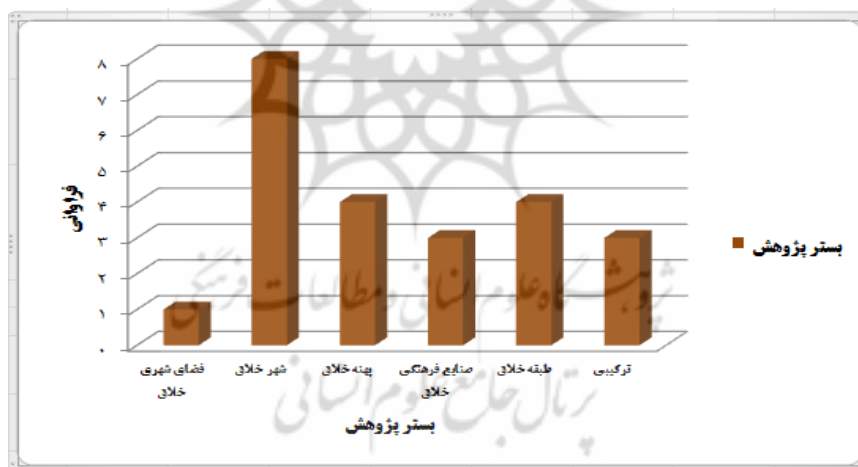
بستر مورد بررسی

بستر از دیگر شاخص‌های مورد بررسی در ۱۳ پژوهش مورد تأکید بوده است. شهرخلاق را می‌توان در بسترهای مختلف نظیر فضای شهری خلاق، شهرخلاق، پهنه خلاق، صنایع فرهنگی خلاق و طبقه خلاق مورد بررسی قرار

داد. بررسی ۱۳ پژوهش نشان می‌دهد که بیشتر پژوهش‌ها (۶۱/۵۳ درصد) کل شهر را مورد بررسی قرار داده‌اند شکل (۸)؛ به عبارت دیگر تمامی شاخص‌های مهم شهرخلاق مورد تأکید بوده و به صورت کلی به موضوع تأکید شده است. نقطه تأکید ۴ مقاله طبقه خلاق و در ۳ مورد صنایع فرهنگی خلاق بوده است. نکته قابل ذکر آن است که مقیاس‌های خرد نظیر محلات خلاق و فضاهای شهری خلاق کمتر مورد بررسی و پژوهش قرار گرفته‌اند که این موضوع به علت کمبود داده در مقیاس‌های کوچک است. بر این اساس نیاز است تا تعداد پژوهش بیشتری در مقیاس‌های خرد و به خصوص به روش کیفی انجام گیرد. جدول (۹) وضعیت پژوهش‌ها را از نظر شاخص بستر توصیف کرده است.

جدول (۹). دسته‌بندی پژوهش‌های مورد بررسی از نظر بستر پژوهش

بستر پژوهش	تعداد	درصد
فضای شهری خلاق	۱	۷/۶۹
شهرخلاق	۸	۶۱/۵۳
پهنه خلاق	۴	۳۰/۷۶
صنایع فرهنگی خلاق	۳	۲۳/۰۷
طبقه خلاق	۴	۳۰/۷۶
ترکیبی	۳	۲۳/۰۷



شکل (۸). توزیع فراوانی پژوهش‌های مورد بررسی از نظر بستر پژوهش

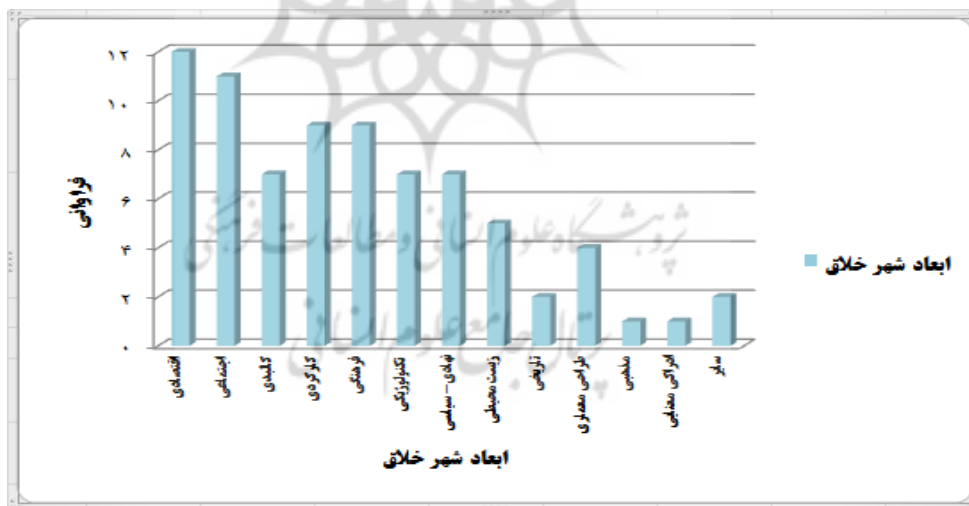
ابعاد مختلف شهرخلاق

نتیجه بررسی ۱۳ پژوهش نشان می‌دهد که طیف مختلفی از ابعاد شهرخلاق تحلیل و ارزیابی شده است. در بیشتر تحقیقات انجام شده، ابعاد اقتصادی و اجتماعی شهرخلاق مورد بررسی قرار گرفته‌اند که این موضوع از یکسو به علت اهمیت این ابعاد و از سوی دیگر به علت سهولت در دسترسی به داده‌های مناسب در این دو زمینه است. بیش از ۹۲/۳۰ درصد بعد اقتصادی و ۸۴/۶۱ درصد تحقیقات بررسی شده ابعاد اقتصادی و

اجتماعی را تأکید داشته‌اند. دو بعد کالبدی و کارکردی که به‌طور مستقیم به برنامه‌ریزی شهری و طراحی شهری مرتبط هستند نیز به نحو مناسبی مورد توجه قرار گرفته‌اند و به ترتیب در ۵۳/۸۴ درصد و ۶۹/۲۳ درصد تحقیقات تحلیل و ارزیابی شده‌اند. از نکات قابل توجه در ابعاد مورد بررسی شهرخلاق توجه به بعد مذهبی در یک پژوهش است که لازم است تا پژوهش‌های آتی این جنبه را مورد توجه قرار دهند. بعد زیست‌محیطی نیز با ۳۸/۴۶ درصد، بخش مهمی از تحقیقات را شامل شده که البته با توجه به مسائل زیست‌محیطی در شهر تهران، به نظر می‌رسد که این بعد از توسعه شهری نیز بایستی تأکید بیشتری شود. از سایر موضوعات مغفول مانده در اکثر پژوهش‌ها می‌توان به ابعاد طراحی- معماری و ادراکی- معنایی اشاره کرد. وضعیت پژوهش‌های مورد- بررسی از نظر ابعاد پژوهش در جدول (۱۰) و شکل (۹) قابل مشاهده است.

جدول (۱۰). دسته‌بندی پژوهش‌های مورد بررسی از نظر ابعاد شهرخلاق

ابعاد شهرخلاق	تعداد	درصد	ابعاد شهرخلاق	تعداد	درصد
اقتصادی	۱۲	۹۲/۳۰	زیست‌محیطی	۵	۳۸/۴۶
اجتماعی	۱۱	۸۴/۶۱	تاریخی	۲	۱۵/۳۸
کالبدی	۷	۵۳/۸۴	طراحی معماری	۴	۳۰/۷۶
کارکردی	۹	۶۹/۲۳	مذهبی	۱	۷/۶۹
فرهنگی	۹	۶۹/۲۳	ادراکی معنایی	۱	۷/۶۹
تکنولوژیکی	۷	۵۳/۸۴	سایر	۲	۱۵/۳۸
نهادی- سیاسی	۷	۵۳/۸۴			



شکل (۹). توزیع فراوانی پژوهش‌های مورد بررسی از نظر ابعاد شهرخلاق

فرا تحلیل کیفی مطالعات نمونه درباره شهرخلاق تهران

در این قسمت تمامی موضوعات مطرح‌شده در زمینه شهرخلاق در شهر تهران که در مقالات منتخب مورد بررسی قرار گرفته‌اند؛ مقایسه می‌شوند که این امر شامل طیف وسیعی از موضوعات نظیر «جایگاه و رتبه شهر تهران از نظر خلاقیت در قیاس با سایر شهرها و کلان‌شهرهای کشورهای توسعه‌یافته»، «وضعیت

کلان‌شهر تهران از نظر شاخص‌های شهرخلاق در بین شهرهای کشور، «وضعیت کلان‌شهر تهران از نظر شاخص‌های شهرخلاق در بین کلان‌شهرهای کشور»، «وضعیت شاخص‌های شهرخلاق در بین مناطق ۲۲ گانه کلان‌شهر تهران»، «وضعیت و ویژگی‌های فضاگزینی طبقه خلاق در کلان‌شهر تهران» و «آینده‌نگاری شهرخلاق در کلان‌شهر تهران» می‌شود.

وضعیت کلان‌شهر تهران از نظر شاخص‌های شهرخلاق با کلان‌شهرهای توسعه‌یافته

در زمینه‌ی بررسی تطبیقی کلان‌شهر تهران با سایر شهرهای توسعه‌یافته در سطح جهان یک پژوهش وجود دارد. این پژوهش توسط زنگنه شهرکی و همکاران (۱۳۹۵) تحت عنوان «تحلیل قابلیت‌ها و جایگاه شهر تهران از نظر تحقق مفهوم شهرخلاق در مقایسه با سایر شهرهای دنیا» انجام شده است و در آن شهر تهران را از نظر شاخص‌های شهرخلاق (۳۹ شاخص) با شش شهر در اروپا و استرالیا مقایسه شده است. نتایج این بررسی تطبیقی نشان می‌دهد که از نظر مجموع شاخص‌های شهرخلاق تهران در سطح پایین‌تری نسبت به هر شش شهر قرار دارد و جایگاه هفتم را کسب کرده است. وضعیت شهر تهران نسبت به شهرهای مذکور متوسط است و در برخی از شاخص‌های شهرخلاق نیز فاصله‌ی بسیار زیادی با آن‌ها دارد. تنها شاخصی که شهر تهران در آن نسبت به شهرهای موردبررسی در این پژوهش در وضعیت مناسبی قرار دارد؛ ساختار سنی جمعیت است (در بین ۳۹ شاخص). نکته قابل‌ذکر آن است که این شاخص به‌صورت بالقوه برای تهران امتیاز محسوب می‌شود که باید از طریق فراهم آوردن شرایط موردنیاز و مدیریت و محیط خلاق و همچنین آموزش‌های موردنیاز تبدیل به شهروندان خلاق شوند (زنگنه شهرکی و همکاران، ۱۳۹۵: ۷۶-۸۲).

بنابراین از نظر شاخص‌های شهرخلاق، شهر تهران نسبت به کلان‌شهرهای دیگر جهان، در شرایط ضعیفی قرار دارد. نکته مهم دیگر اینکه تحقیقات تطبیقی در زمینه شهر تهران با شهرهای دیگر از لحاظ رویکرد شهرخلاق کم است و بایستی روی این موضوع، تحقیقات بیشتری انجام شود؛ چراکه انجام این تحقیقات می‌تواند تجربیات دیگر شهرهای جهان را در اختیار قرار دهد.

وضعیت کلان‌شهر تهران از نظر شاخص‌های شهرخلاق در بین شهرهای کشور

درباره‌ی وضعیت کلان‌شهر تهران از نظر شاخص‌های شهرخلاق در قیاس با سایر شهرهای کشور یک پژوهش موردبررسی قرار گرفته است. البته به علت سهولت دسترسی به داده‌ها در مقیاس شهرستان‌های کشور، در حقیقت شهرستان تهران مورد مطالعه قرار گرفته است. فتوحی مهربانی و رجایی (۱۳۹۷) با استفاده از محاسبه میزان خودهمبستگی فضایی توسط ضریب موران و تحلیل لکه‌های داغ، شاخص‌های شهرخلاق را در تمام شهرستان‌های کشور موردبررسی قرار داده‌اند. در این راستا رده‌های شغلی «شاغلان در فرهنگ، هنر و سرگرمی»، «شاغلان در فعالیت‌های مالی و بیمه» و «شاغلان فعالیت‌های حرفه‌ای، علمی و فنی» به‌عنوان طبقه خلاق در نظر گرفته شده‌اند. نتایج این پژوهش حاکی از ناموزونی پراکندگی طبقه خلاق در سطح کشور است. همچنین این پراکندگی نشانگر این مطلب است که طبقه خلاق در ایران شهرهای خاصی را برای زندگی انتخاب می‌کنند به‌طوری‌که تجمع و تمرکز این طبقه در کلان‌شهر تهران و مناطق پیرامونی پایتخت است. نگارندگان این مقاله بر این اعتقادند که ریشه و عوامل مؤثر بر منتهی شدن تصمیمات مکانی طبقه خلاق در

ایران به سمت کلان‌شهر تهران را باید در یک سیر تاریخی جستجو کرد به گونه‌ای که در سده‌ی گذشته تهران به دلیل ایفای نقش پایتختی، در کنار نظام سیاسی تمرکزگرا و نظام اقتصادی شبه سرمایه‌داری رانتی در کشور، به مکانی برای جذب و انباشت طبقه خلاق ایران تبدیل شده است (فتوحی مهربانی و رجایی، ۱۳۹۷). نتیجه کلی این موضوع اینکه تحقیقات بیشتری از جنبه وضعیت شاخص‌های شهرخلاق ضرورت دارد و به نظر می‌رسد که می‌توان با جمع‌آوری داده‌های بیشتر، کیفیت این‌گونه تحقیقات را نیز افزایش داد.

وضعیت کلان‌شهر تهران از نظر شاخص‌های شهرخلاق در بین کلان‌شهرهای کشور دو پژوهش درباره بررسی تطبیقی شاخص‌های شهرخلاق در بین کلان‌شهرهای کشور وجود دارد. در پژوهش اول کلانتری و همکاران (۱۳۹۵) کلان‌شهرهای کشور را از نظر شاخص‌های شهرخلاق با استفاده از ترکیب مدل‌های تحلیل عاملی، فرایند تحلیل شبکه‌ای و مدل ویکور با یکدیگر مقایسه کرده‌اند. این مقایسه در ابعاد «طبقه خلاق و امکانات محلی»، «استعداد و تنوع»، «تحقیق و توسعه و گشودگی» و «تکنولوژی» انجام شده است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که کلان‌شهر تهران در رتبه اول قرار دارد و پس از آن کلان‌شهرهای کرج، قم، اصفهان، مشهد، شیراز، تبریز و اهواز قرار می‌گیرند (کلانتری و همکاران، ۱۳۹۵).

پیربائی و همکاران (۱۳۹۷) در پژوهش خود کلان‌شهرهای کشور را از منظر راهبرد شهرخلاق مورد مقایسه قرار داده‌اند. بر این اساس هشت کلان‌شهر کشور بر اساس پنج ساختار خلاقیت شهری شامل «ساختارهای فرهنگی - اجتماعی»، «مدیریتی - نهادی»، «اقتصادی - عملکردی»، «طبیعی - زیستی» و «کالبدی - فضایی» مقایسه شده‌اند. نتایج تحلیل‌های کمی مبتنی بر ترکیب فرایند تحلیل سلسله‌مراتبی و مدل ویکور نشان می‌دهد که در چهار ساختار موردبررسی شهر تهران در بهترین وضعیت قرار دارد و در بسیاری از موارد فاصله زیادی نیز با دیگر کلان‌شهرها دارد.

۱- از نظر «ساختار اجتماعی - فرهنگی خلاقیت شهری» تهران، تبریز و اصفهان در رده‌های اول تا سوم قرار می‌گیرند و کلان‌شهرهای قم و اهواز در بدترین وضعیت جای می‌گیرند.

۲- در «ساختار اقتصادی - عملکردی» کمترین مقدار ویکور (بهترین وضعیت) به شهرهای تهران، مشهد و اصفهان تعلق می‌گیرد و کلان‌شهرهای شیراز و اهواز در پایین‌ترین رده طبقه‌بندی می‌شوند.

۳- وضعیت مطلوب در «ساختار نهادی - مدیریتی خلاقیت شهری» به شهرهای تهران، تبریز و اصفهان تعلق دارد و کلان‌شهرهای قم و اهواز در جایگاه‌های نازل هفت و هشت قرار می‌گیرند.

۴- در «ساختار طبیعی - زیستی» اما وضعیت متفاوت است و کلان‌شهرهای اصفهان، کرج و شیراز در وضعیت بهتری قرار دارند و تهران، مشهد و قم در وضعیت نسبی نامناسبی جای می‌گیرند.

۵- در نهایت در «ساختار کالبدی - فضایی خلاقیت شهری» شهرهای تهران، اصفهان و تبریز در بهترین رتبه‌ها و شهرهای قم و کرج در بدترین وضعیت قرار می‌گیرند (پیربائی و همکاران، ۱۳۹۷).

نکته مهم قابل‌ذکر درباره این دو پژوهش که خود نیز به آن اشاره می‌کنند این است که بررسی وضعیت شاخص‌های شهرخلاق به صورت مقایسه‌ای و تطبیقی باعث شده است تا تصور نادرستی شکل بگیرد که وضعیت شهر تهران از نظر شاخص‌های شهرخلاق مناسب است؛ اما موضوع اصلی آن است که این وضعیت تهران تنها در قیاس با سایر کلان‌شهرهای کشور است که قابل‌تعریف است، ولی مقایسه یافته‌های این دو پژوهش با پژوهش

زنگنه و همکاران (۱۳۹۵) نشان می‌دهد (در پیش‌تر مورد بررسی قرار گرفت) که کلان‌شهر تهران در زمینه شاخص‌های شهرخلاق و در مقایسه با شهرهای خلاق جهانی وضعیت چندان مناسبی ندارد؛ به‌طوری‌که کلان‌شهر تهران در زمینه جذب طبقه خلاق بین‌المللی در مقایسه با شهرهای خلاق بین‌المللی در پایین‌ترین سطح قرار دارد.

موضوع دیگر در بررسی تطبیقی این دو پژوهش آن است که با توجه به استفاده پژوهشگران از شاخص‌های متفاوت در هر یک از پژوهش‌ها، ترتیب سایر کلان‌شهرها به‌جز تهران از نظر میزان نزدیکی به معیارهای شهرخلاق دستخوش تغییر شده است؛ اما ثابت بودن جایگاه شهر تهران در رتبه اول به‌صورت کلی و همچنین در هر یک از ابعاد به‌صورت مجزا حاکی از فاصله زیاد این کلان‌شهر نسبت به سایر کلان‌شهرها می‌باشد؛ به‌عبارت‌دیگر ممکن است که وضعیت شاخص‌های شهرخلاق در مقایسه با شهرهای ایران مناسب‌تر باشد اما این موضوع نمی‌تواند دلیلی بر مطلوب بودن آن باشد؛ چراکه تحقیقات مختلف تأیید می‌نماید که شاخص‌های شهرخلاق در تهران ضعیف بوده و این نکته را به‌خوبی در مقایسه با شهرهای دنیا می‌توان مشاهده نمود.

وضعیت شاخص‌های شهرخلاق در بین مناطق ۲۲ گانه کلان‌شهر تهران

نتیجه بخش کمی پژوهش تأیید نمود که تحقیقات مرتبط با شهرخلاق برای شهر تهران در سطوح خرد کمتر انجام شده است. لذا ضرورت پرداختن به این سطح از بررسی شهرخلاق مهم است. تحقیق امینی و همکاران (۱۴۰۰) از مهم‌ترین تحقیقاتی است که ۸۵ شاخص را با استفاده از روش ترکیبی فرایند تحلیل سلسله‌مراتبی و مدل تاپسیس برای شهر تهران و مناطق آن انجام داده است. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که منطقه ۶ شهر تهران از نظر شاخص‌های شهرخلاق در وضعیت نسبی مناسب‌تری قرار دارد (وضعیت عالی) و پس از آن مناطق ۱، ۱۲، ۳ و ۲۲ قرار گرفته‌اند (خیلی خوب: مهیا بودن شرایط برای توسعه خلاقیت شهری). در سوی مقابل مناطق ۱۷ و ۲۱ در وضعیت بسیار ضعیفی قرار دارند و خارج از چارچوب کلی شهرخلاق قرار دارند.

همچنین از آنجایی‌که شاخص‌های بومی‌سازی شده بر مبنای جهان‌بینی، فرهنگ و ماهیت ایرانی اسلامی بوده است و عوامل مذهبی و دینی در تعیین شاخص‌ها مورد توجه قرار گرفته است، منطقه ۲۰ (شهر ری) به علت سابقه تاریخی و مذهبی دیرین در مقایسه با مناطق پیرامونی از سطح خلاقیت بالاتری برخوردار است. همچنین در این پژوهش ادعا شده است که دلیل جایگاه مناسب سطح منطقه ۲۲ از نظر شاخص‌های خلاقیت آن است که در این منطقه به مواردی همچون توسعه پایدار شهری، توسعه اکولوژیک محور، طراحی شهری مناسب، نمادسازی‌های فرهنگی، هنر محوری در طرح‌های شهری، بلوک‌بندی، شبکه‌های ارتباطی و قابلیت‌های دسترسی مناسب است (امینی و همکاران، ۱۴۰۰).

نکته‌ای که در این پژوهش از آن غفلت شده آن است که لزومی ندارد تا همه‌ی مناطق از نظر تمامی شاخص‌های شهرخلاق در وضعیت مناسب باشند و می‌توان به‌صورت تخصصی تنها بر یک جنبه و وجه از شهرخلاق در برخی از مناطق تأکید نمود. موضوعی که به‌درستی در پژوهش سعیدی و ندائی طوسی (۱۴۰۰) از طریق گونه‌بندی انواع طبقه خلاق به آن اشاره شده است که در بخش‌های بعد به آن پرداخته می‌شود. از نظر این پژوهشگران منطقه لواسانات، دربند، درکه، شهرک غرب در منطقه ۲، منطقه ۱، ۲۲، ۶ دارای پتانسیل‌هایی هستند که می‌توانند ترجیحات فضایی تیپ‌های مختلف طبقات خلاق را فراهم کنند.

مطالعه دیگری که در این زمینه انجام شده است مربوط به پژوهش مافی و همکاران (۱۳۹۷) است که با استفاده از مدل ترکیبی فرایند تحلیل شبکه و مدل تاپسیس انجام شده است. در این پژوهش نیز مناطق بیست و دوگانه شهر تهران از نظر سطح برخورداری از شاخص‌های شهرخلاق مورد بررسی قرار گرفته‌اند. نتایج نشان می‌دهد که مناطق ۴، ۵، ۶، ۲ و ۲۲ در سطح یک (وضعیت برخورداری) قرار دارند. مناطق ۱، ۱۴، ۸، ۱۵، ۳، ۱۲، ۱۱، ۱۰، ۲۱ و ۲۰ در وضعیت نیمه‌برخوردار (متوسط) و مناطق ۷، ۱۸، ۱۶، ۱۳، ۱۹، ۱۷ و ۹ نیز در وضعیت فروبرخوردار (محروم) قرار می‌گیرند (مافی و همکاران، ۱۳۹۷).

همانند تحقیقات رتبه‌بندی کلان‌شهرهای کشور، در رتبه‌بندی مناطق درونی شهر تهران نیز نتایج رتبه‌بندی پژوهش‌های مختلف تضادهایی با یکدیگر دارند به گونه‌ای که منطقه یک که در پژوهش سعیدی و ندائی طوسی و همچنین امینی قشلاقی و همکاران در وضعیت مناسبی قرار دارد در پژوهش مافی و همکاران در وضعیت متوسط ارزیابی شده است و به همین ترتیب جایگاه منطقه ۱۲ نیز متفاوت است. دلیل این موضوع را می‌توان در به‌کارگیری شاخص‌های مختلف جستجو کرد.

وضعیت و ویژگی‌های فضاگزینی طبقه خلاق در کلان‌شهر تهران

بر اساس پژوهش دادپور (۱۳۹۰) مشخص می‌گردد که دودسته معیارهای مکانی و غیر مکانی در انتخاب یک شهر برای زندگی توسط طبقه خلاق اهمیت دارند. در این میان مهم‌ترین معیار «وجود فرصت‌های شغلی خوب و متعدد» در آن شهر است که یک معیار غیرمکانی است. این موضوع یعنی وجود فرصت‌های شغلی متعدد و مناسب باعث شده است تا تهران بالاترین میزان جذب طبقه خلاق را داشته باشد. سایر معیارهای مهم در جذب طبقه خلاق در تهران، به‌طور مشخص معیارهایی هستند که با مکان پیوند دارند. همچنین از منظر طبقه خلاق فعالیت‌های خاصی دارای جذابیت بیشتری می‌باشند به گونه‌ای که هر منطقه، ناحیه یا محله‌ای که بتواند بستر مناسبی از این نوع از فعالیت‌ها را فراهم سازد شانس جذب طبقه خلاق در آن بالاتر خواهد بود که مهم‌ترین این فعالیت‌ها شامل رفتن به محیط‌های طبیعی یا مناطق با بافت روستایی در درون یا مجاور شهر برای تفریح یا ورزش، پیاده‌روی و قدم زدن در خیابان‌ها و میدانی سرزنده شهری، ملاقات با دوستان یا نزدیکان و بودن با آن‌ها در خارج از محیط خانه (کافی‌شاپ، پارک، سینما، خیابان و غیره)، رفتن به انواع رستوران‌های فضای بسته یا باز با غذاهای متنوع و غیره اشاره نمود (دادپور، ۱۳۹۰).

از نظر سعیدی و ندائی طوسی (۱۴۰۰)، چهار تیپ مختلف طبقه خلاق در شهر تهران قابل‌شناسایی است. تیپ اول طبقه خلاق شهر تهران که طبیعت‌گرا نام دارد بیشتر در زمینه بازار ویژه فرهنگی - هنری فعالیت می‌کنند. ترجیحات مکانی این گروه، دوری از آلودگی و ازدحام، نزدیکی به محیط طبیعی و برخورداری از آرامش موجود در فضاهای طبیعی است که بر این اساس این گروه سکونت و فعالیت در لواسانات و مکان‌هایی نظیر دربند و درکه را ترجیح می‌دهند. تیپ دوم که طبقه خلاق شهرگرا نامیده می‌شود عموماً در صنایع دانش‌محور اشتغال دارند و از لحاظ فضایی مرکز شهر را به دلیل نزدیکی به محل کار، تنوع فرهنگی و دسترسی راحت به امکانات موردنیاز ترجیح می‌دهند. تیپ سوم طبقه خلاق که طبقه خلاق دانشی نام‌گذاری شده‌اند؛ همانند تیپ ۲ در زمینه بازار ویژه دانشی فعالیت دارند اما برخلاف گروه قبل تمایلی به سکونت و فعالیت در مرکز شهر ندارند و به عبارتی شهرگریز هستند. نوآوری و محیط‌های خلاق و پویا از ترجیحات مکانی این گروه است و محلاتی

نظیر شهرک غرب و یا منطقه ۲۲ را ترجیح می‌دهند. در نهایت چهارمین تیپ خلاق شناسایی شده که طبقه خلاق هنری می‌باشند عموماً دارای ترجیحات فضایی هستند که در منطقه یک یافت می‌شود (سعیدی و ندائی طوسی، ۱۴۰۰: ۲۱۵).

با بررسی تحقیقات ذکر شده می‌توان دریافت که پژوهش‌های این حوزه نیازمند برخی تحقیقات بر اساس طبقه‌بندی طبقه خلاق شهری است؛ چراکه در کلان‌شهر تهران منابع انسانی یا طبقه خلاق به انواع گوناگون و با تخصص‌های مختلفی وجود دارد که بررسی با جزئیات می‌تواند مسیرهای بهتری را پیش روی قرار دهد. علاوه بر این زمینه‌های ذهنی و عینی این گروه‌ها و طبقات در شهرها نیز متفاوت است و نمی‌توان به صورت یکسان مطالعه شوند؛ بنابراین به نظر می‌رسد این گپ مطالعات در این بخش وجود داشته باشد.

آینده‌نگاری شهرخلاق در کلان‌شهر تهران

آزاد و همکاران (۱۳۹۸) با آینده‌نگاری شهر تهران در ارتباط با شهرخلاق به این نتیجه رسیده‌اند که با توجه به عدم قطعیت‌های موجود چهار سناریو «تهران خلاق»، «تهران صنعتی»، «خلاقیت بی‌ثبات» و «تهران آشفته» قابل‌تصور هستند. برای شکل‌گیری شهرخلاق بهترین سناریو، سناریوی اول یعنی «تهران خلاق» است و بدترین سناریو، سناریو «تهران آشفته» است که در آن نه‌تنها مشارکت شهروندان و سرمایه‌های اجتماعی و فرهنگی اهمیت خود را از دست می‌دهند، بلکه با توسعه صنایع موجود، آلودگی‌های محیط زیستی و آسیب‌های اجتماعی در تهران تشدید می‌شود (آزاد و همکاران، ۱۳۹۸). آن‌ها بر این باورند که فارغ از آنکه شکل‌گیری شهرخلاق به‌واسطه‌ی شکل‌گیری اقتصاد دانش‌بنیان، طبقه خلاق و اجتماعات خلاق در تهران مطلوب است یا خیر، به نظر می‌رسد نشانه‌ی چندانی از سهم مسلط اقتصاد خلاق و اجتماعات خلاق، باوجود تراکم جمعیت تحصیل‌کرده و بامهارت در بین مشارکت‌کنندگان دیده نمی‌شود. در این پژوهش دو پارادایم اصلی با عنوان «گنگ‌های خلاق» و «پیامبران خلاق آینده» کشف شد. گنگ‌های خلاق، پارادایم مسلط در این پژوهش است که از حیث نظری به کار ایتان واترز (۲۰۰۴) نزدیک است که ارتباطات انسانی در دوران جدید را قبیله‌های شهری توصیف کرده بود. این قبیله‌ها به‌وضوح از خصوصیات طبقه‌ی خلاق مدنظر فلوریدا فاصله دارد (آزاد و همکاران، ۱۳۹۸).

جدا از نتیجه تحقیق اشاره‌شده، با توجه به موضوع پژوهش حاضر، بایستی این نکته را ذکر نمود که آینده‌نگاری و آینده‌پژوهشی به‌عنوان یک حلقه گمشده در تحقیقات مربوط به رویکرد شهرخلاق و کلان‌شهر تهران شناخته می‌شود. تحقیقات که به موضوع آینده‌نگاری شهرخلاق برای شهر تهران پرداخته باشد، کمتر یافت می‌شود و این یک گپ مطالعاتی مهم تلقی می‌شود؛ چراکه امروزه تصور نمودن آینده کلان‌شهر تهران با توجه به مسائل و مشکلات متنوع، بسیار مهم بوده و در صورت تأکید روی رویکرد شهرخلاق، نمی‌توان از موضوع آینده‌نگاری غافل ماند.

نتیجه‌گیری

با توجه به نظریات و رویکردهای مختلفی که درباره شهرخلاق ارائه شد و همچنین مرور ادبیات نظری و مدل مفهومی ارائه‌شده می‌توان نتیجه گرفت که جهت بررسی شهرخلاق تهران، لازم است تا در سطوح مختلف به آن نگرسته شود. در سطح بین‌المللی لازم است تا سیاست شهر تهران در راستای دو اصل «رقابت» و «تعامل» با سایر شهرهای جهان و منطقه باشد. برای تحقق این امر نیاز است تا میزان تساهل و تسامح شهر بالاتر رود و رواداری بیشتری با گروه‌های مختلف قومی، زبانی، نژادی و غیره صورت گیرد تا بستر مناسبی برای جذب طبقات خلاق از سراسر جهان و همچنین بازگشت طبقات خلاق که به سایر شهرها مهاجرت کرده‌اند؛ فراهم شود. در سطح ملی نیاز است تا نه تنها تهران بلکه در یک برنامه‌ریزی جامع سایر کلان‌شهرها و شهرها جهت حفظ طبقه خلاق خود از طریق افزایش کیفیت فضایی در شهر بکوشند. بر این اساس باید اصل «تعادل» در سطح ملی را مدنظر قرار داد.

در سطح کلان‌شهر تهران لازم است تا تمامی پتانسیل‌های خلاقیت به‌خصوص زمینه‌های بومی و فرهنگی موردتوجه قرار گیرد تا شهر تهران بتواند مبتنی بر اقتصاد خلاق پیشرفت کند. بر این اساس باید اصل «توسعه» را در این سطح موردتوجه قرار داد. در سطح مناطق کلان‌شهر تهران لازم است تا با توجه به قطبی‌شدگی شدید فضایی در درون شهر تهران، طبقات خلاق تیپ بندی شوند و در مناطق مختلف شهر فضاهای مناسبی برای این طبقات ایجاد شود تا از طریق مراودات اجتماعی این خلاقیت به سایر شهروندان نیز به‌صورت ضمنی منتقل شود. بر این اساس باید اصل «عدالت فضایی» را در این سطح موردتوجه قرار داد. در نهایت در سطح محلات و فضاهای شهری باید برنامه‌ریزی و طراحی مناسبی با حداکثر تنوع صورت گیرد تا محیط و فضای مناسبی برای سکونت و فعالیت طبقات خلاق ایجاد شود. بدین ترتیب باید اصول «کیفیت‌های محیطی» و «سرزندگی محلات و فضاهای شهری» را در این سطح موردتوجه قرار داد.

هرچند در دهه اخیر پژوهش‌های نسبتاً مناسبی درباره شهرخلاق در تهران انجام‌شده است اما همچنان کمبودهای پژوهشی شدیدی در این زمینه وجود دارد که مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند کمبود مطالعات در سطح نواحی و محلات شهری، کمبود مطالعات در فضاهای شهری، کمبود مطالعات اکتشافی، کمبود مطالعات دارای تحلیل‌های کیفی، کمبود مطالعات در زمینه پارادایم‌های تفسیری و انتقادی، کمبود توجه به شاخص‌های بومی و تعریف خلاقیت از منظر ویژگی‌های خاص ایران و شهر تهران و کمبود توجه به ابعاد فرهنگی و مذهبی، طراحی - معماری و ادراکی-معنایی.

بررسی‌ها پژوهش‌های مختلف در زمینه رویکرد شهرخلاق برای شهر تهران در مقایسه به کلان‌شهرهای جهان نشان می‌دهد که وضعیت شهر تهران در قیاس با سایر کلان‌شهرهای کشورهای توسعه‌یافته بسیار نامناسب است و تنها در برخی از شاخص‌ها نظیر تعداد سازمان‌های خیریه، تعداد افراد واردشده به سینما، تعداد دانشگاه‌های آموزش عالی و درصد جمعیت در سن ۱۵-۲۴ سال از کل جمعیت در وضعیت متوسط یا مناسب قرار دارد.

همچنین در مقایسه شاخص‌های شهرخلاق برای شهر تهران با شهرهای ایران نیز می‌توان که منطقه شهری تهران یک لکه داغ از نظر میزان خلاقیت (البته به‌طور نسبی) محسوب می‌شود که این موضوع موجبات مهاجرت طبقات خلاق شهرهای مختلف به سمت شهر تهران را نیز فراهم می‌آورد. همچنین شهر تهران دارای

برتری قابل ملاحظه‌ای از نظر سطح خلاقیت نسبت به سایر کلان شهرها است. کلان شهر تهران در اغلب ابعاد، معیارها و شاخص‌های خلاقیت در بهترین وضعیت نسبت به سایر کلان شهرها قرار دارد و تنها در بعد طبیعی-زیستی است که وضعیت آن نامطلوب است و همین موضوع نیز شاید یکی از علل گریز طبقات خلاق از شهر تهران در وضع موجود باشد که در صورت حاد شدن احتمالی این وضعیت (نظیر افزایش آلودگی هوا، آلودگی صوتی و غیره) در آینده نیز تشدید خواهد شد.

نتیجه بررسی تحقیقات شهرخلاق در مناطق ۲۲ گانه شهر تهران نیز نشان می‌دهد که عدم تعادل فضایی درون شهری شدیدی از نظر شاخص‌های شهرخلاق بین مناطق مختلف شهر تهران وجود دارد؛ به گونه‌ای که مناطق شمالی شهر و همچنین مناطق ۶ و ۲۲ واجد شرایط مناسبی هستند و در سمت مقابل مناطق جنوبی شهر تهران وضعیت متوسط رو به پایینی دارند. همچنین نتیجه بررسی ویژگی‌های فضاگزینی طبقه خلاق در کلان شهر تهران نشان می‌دهد که از منظر طبقه خلاق فعالیت‌های خاصی دارای جذابیت بیشتری می‌باشند؛ به گونه‌ای که هر منطقه، ناحیه یا محله‌ای که بتواند بستر مناسبی از این نوع از فعالیت‌ها را فراهم سازد، شانس جذب طبقه خلاق در آن بالاتر خواهد بود. مهم‌ترین این فعالیت‌ها شامل رفتن به محیط‌های طبیعی برای تفریح یا ورزش، پیاده‌روی و قدم زدن در خیابان‌ها و میادین سرزنده شهری، ملاقات با دوستان یا نزدیکان و... اشاره نمود.

نتیجه تحقیق در زمینه آینده‌نگاری کلان شهر تهران از نظر حرکت به سمت شهرخلاق نشان می‌دهد که هرچند که وضعیت مناسب‌تر تهران نسبت به سایر شهرها و کلان شهرهای کشور برای جذب طبقه خلاق غیرقابل انکار است، اما اگر استانداردهای جهانی مدنظر باشد مشخص می‌گردد که تهران هنوز با وضعیت شهرخلاق فاصله زیادی دارد و روندهای موجود نیز نشان نمی‌دهد که این شهر بتواند در آینده در زمره شهرهای خلاق و دارای اقتصاد خلاق قرار گیرد. هرچند که می‌توان در سناریوهای خوش‌بینانه و با برنامه‌ریزی مناسب به سمت آن حرکت نمود.

نتیجه کلی کمی و کیفی تحقیقات مختلف در زمینه رویکرد شهرخلاق برای شهر تهران نشانگر آن است که گپ‌های مطالعاتی بسیاری از نظر روش‌شناسی، مقیاس، موضوع، پارادایم و داده‌ها وجود دارد که بایستی در تحقیقات آینده مورد تأکید باشد. تأکید بیش‌ازحد بر تحقیقات کمی، سبب شده که بخش کیفی فراموش شود؛ درحالی‌که بخش زیادی از بررسی رویکرد شهرخلاق ریشه در تحقیقات بنیادی مبتنی بر روش‌های کیفی و تحلیل محتوا دارد. علاوه بر این مقیاس مورد تأکید در تحقیقات و تأکید بر پارادایم انتقادی نیز بایستی در تحقیق آینده به‌طور جدی بررسی و تأکید شود. با توجه به نتایج این تحقیق پیشنهاد می‌شود که:

پژوهش‌های مبتنی بر آینده‌پژوهشی برای رویکرد شهرخلاق برای شهر تهران در مطالعات مورد تأکید باشد. پارادایم‌های تحقیقات آینده بیشتر جنبه انتقادی داشته باشد.

در تحقیقات آینده از روش‌های تحلیل محتوا و تحقیقات مبتنی بر روش‌های کیفی استفاده بیشتری شود.

تحقیقات در سطوح خردتر از جمله محلات و نواحی شهر تهران مورد تأکید قرار گیرد.

با توجه به تجربیات کشورهای دیگر در زمینه شهرخلاق، پیشنهاد می‌شود که پژوهش‌های تطبیقی کلان شهر تهران با کلان شهرهای جهان از نظر رویکرد شهرخلاق مورد تأکید باشد.

جهت دستیابی به نتایج بهتر در زمینه موضوع مورد بررسی، پژوهش دیگری با تعداد نمونه مقالات و تحقیقات بیشتر در آینده انجام شود.

منابع

- ابراهیم‌زاده، عیسی و نیری، ناصر. (۱۳۹۷). *سنجش و ارزیابی وضعیت شاخص‌های شهرخلاق، مطالعه موردی: مناطق پنج‌گانه شهر زاهدان*. جغرافیا و توسعه، ۵۲: ۱-۲۲.
- ارمنندی، ساسان. (۱۳۹۷). *تحلیل و سنجش مؤلفه‌های شهرخلاق در شهر تهران، تحقیقات جدید در علوم انسانی*، ۱۱۹: ۱۲-۱۳۰.
- آزاد، نفیسه؛ علیرضانژاد، سهیلا و ناظمی، امیر. (۱۳۹۸). *ب. طبقه خلاق: کاوشی در امکان‌های شکل‌گیری اجتماعات و اقتصاد خلاق در تهران*. اقتصاد شهری، ۴ (۱): ۷۱-۸۸.
- آزاد، نفیسه؛ ناظمی، امیر؛ علیرضانژاد، سهیلا. (۱۳۹۸). *تحلیل آینده‌پژوهانه سیاست‌گذاری شهرخلاق؛ مطالعه‌ای در شهر تهران*، مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی، ۹ (۳۲): ۱۵۶-۱۸۰.
- اسدی، احمد؛ سامی، ابراهیم. (۱۳۹۷). *ارزیابی میزان تطابق شهر قاین با شاخص‌های شهرخلاق، نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی*، ۱۰ (۳): ۱۳-۲۶.
- اشرفی، یوسف و رشیدی، طلا. (۱۳۹۸). *فضای عمومی خلاق برای افراد حاشیه‌ای شهر؛ نمونه موردی: پارک فرشتگان (مخصوص کودکان اوتیسمی) شهر تبریز*. جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی ایران، ۸ (۱): ۱-۳۰.
- اقبال، ناصر؛ بیک بابایی، بشیر؛ عبدالهی، ولی؛ حسین زاده، محمد؛ هندی، هوشنگ. (۱۳۹۴). *بررسی شاخص‌های شکل‌گیری شهرخلاق (مطالعه موردی: کلان‌شهر تبریز)*، مجله نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی، ۸ (۱): ۶۵-۷۹.
- امینی قشلاقی، داود؛ مرصوصی، نفیسه؛ لطفی، احمد. (۱۴۰۰). *سنجش و رتبه‌بندی برنامه‌ریزی شهرخلاق در مناطق ۲۲گانه کلان‌شهر تهران*، برنامه‌ریزی توسعه کالبدی، ۸ (۳): ۱۲۷-۱۵۰.
- بذرافشان، جواد و بامری، علی. (۱۳۹۷). *بررسی و تحلیل وضعیت گردشگری خلاق در شهر زاهدان*. فصلنامه علمی- پژوهشی برنامه‌ریزی منطقه‌ای، ۸ (۳۱): ۱۶۷-۱۸۰.
- پوراحمد، احمد؛ فتوحی مهربانی، باقر. (۱۳۹۸). *شهرخلاق: رهیافتی نوین در برنامه‌ریزی شهری*، تهران: جهاد دانشگاهی.
- پوردکریا، مریم؛ فدایی نژاد بهرام‌جردی، سمیه. (۱۳۹۸). *بازخوانی رویکرد بازآفرینی فرهنگ مبنا در ساخت شهرخلاق (تدوین چارچوب تحلیلی بازآفرینی قطب خلاق و فرهنگی)*، باغ نظر، ۱۶ (۷۷): ۵-۱۴.
- پیربابائی، محمدتقی؛ ربیعی فر، ولی‌الله و اسدی محل چالی، مسعود. (۱۳۹۷). *پایش ساختار شهرها از منظر راهبرد شهرخلاق (مطالعه موردی: ۸ کلان‌شهر کشور)*، نشریه علمی- پژوهشی برنامه‌ریزی توسعه کالبدی، ۳ (۷): ۱۱-۳۱.
- خان محمدی، مرجان؛ قلعه‌نویی، محمود و ایزدی، محمدسعید. (۱۳۹۹). *تبیین مدل فرهنگی در بافت‌های تاریخی برای توسعه اقتصاد و حضور صنایع خلاق (موردپژوهشی: خیابان لاله‌زار، تهران)*. نشریه علمی باغ نظر، ۱۷ (۸۷): ۵-۱۸.

- خداپرست شیرازی، جلیل؛ ذبیحی دان، محمد سعید. (۱۳۹۹). تأثیر خلاقیت اقتصادی بر تولید ناخالص داخلی در استان‌های ایران با رهیافت رگرسیون وزنی جغرافیایی، فصلنامه علمی - پژوهشی برنامه‌ریزی منطقه‌ای، ۱۰(۴۰): ۶۶-۵۳
- دادپور، سارا. (۱۳۹۰). جذب طبقه خلاق در تهران به کمک طراحی شهری، صفه، ۵۵: ۵۱-۶۶.
- دل انگیزان، سهراب؛ دهقان شبانی، زهرا؛ خانزادی، آزاد؛ ذبیحی دان، محمد سعید. (۱۳۹۷). تعیین شاخص‌های شهرخلاق و رتبه‌بندی کلان‌شهرهای ایران بر اساس معیارهای شهرخلاق: با استفاده از روش تاپسیس اصلاح‌شده. اقتصاد شهری، ۳(۱): ۱-۲۴.
- ربانی خوراسگانی، علی؛ ربانی خوراسگانی، رسول؛ ادیبی، مهدی؛ مودنی، احمد. (۱۳۹۰). بررسی نقش تنوع اجتماعی در ایجاد شهرهای خلاق و نوآور (مورد مطالعه: شهر اصفهان)، جغرافیا و توسعه، ۹(۲۱): ۱۵۹-۱۸۰.
- رضابیگی ثانی، راضیه؛ امین زاده، بهناز. (۱۳۹۷). تبیین چهارچوب مفهومی خلاقیت اجتماعی و کاربست آن در نظریه شهرخلاق، هویت شهر، ۱۲(۳۴): ۵-۱۸.
- رفیعیان، مجتبی؛ شعبانی، مرتضی. (۱۳۹۴). تحلیل شاخص‌های خلاقیت شهری در نظام سکونتگاهی استان مازندران، جغرافیا و آمایش شهری منطقه‌ای، ۵(۱۶): ۱۹-۳۴.
- رفیعیان، محسن؛ بمانیان، محمدرضا؛ رفیعیان، مجتبی. (۱۳۸۹). شناسایی پهنه‌های زمینه‌ساز توسعه خلاق بافت‌های فرسوده با رویکرد گردشگری در برنامه‌ریزی شهری، «نمونه موردی محله امامزاده یحیی، ناحیه ۲، منطقه ۱۲ شهرداری تهران، مدیریت شهری، ۸(۲۵): ۲۳۵-۲۵۷.
- زال، محمدحسن؛ دوستی، فرشته و رمضان زاده لسیوئی، مهدی. (۱۳۹۷). گردشگری خلاق، ابزاری برای توسعه‌ی شهری (مطالعه‌ی موردی: کلان‌شهر تبریز)، پژوهش‌های جغرافیایی برنامه‌ریزی شهری، ۶(۴): ۷۵۳-۷۶۸.
- زنگنه شهرکی، سعید؛ فتوحی‌مهربانی، باقر؛ پوراگرمی، محمد؛ سلیمان زاده، محمدرضا. (۱۳۹۵). تحلیل قابلیت‌ها و جایگاه شهر تهران از نظر تحقق مفهوم شهرخلاق در مقایسه با سایر شهرهای دنیا، جغرافیا و توسعه فضای شهری، ۳(۲): ۶۹-۸۵.
- زنگنه شهرکی، سعید؛ فتوحی‌مهربانی، باقر. (۱۳۹۷). تبیین الگوی مطلوب شهرخلاق برای کلان‌شهر تهران، فصلنامه شهر پایدار، ۱(۴): ۱۲۳-۱۳۷.
- سعیدی، مینا و ندائی طوسی، سحر. (۱۴۰۰). ترجیحات فضایی طبقه‌ی خلاق به‌مثابه پیشران توسعه کلان‌شهرها؛ مورد پژوهی کلان‌شهر تهران، دو فصلنامه جغرافیای اجتماعی شهری، ۸(۱): ۱۹۳-۲۲۰.
- سهرابی اشلقی، احسان؛ ایلانلو، مریم. (۱۴۰۱). تبیین سطوح خلاقیت در نظام شهری کلان‌شهر تهران، مجله مطالعات توسعه پایدار شهری و منطقه‌ای، ۳(۱): ۱۰۸-۱۲۷.
- شاطریان، محسن؛ حیدری سورشجانی، رسول و ورفی نژاد، ژیلدا. (۱۳۹۶). اثرات توان گردشگری در گسترش زیرساخت‌ها و ایجاد شهرخلاق مطالعه موردی: شهر کرمانشاه، جغرافیا، ۱۵(۵۲): ۲۰۱-۲۱۶.
- شبانی، امیرحسین و ایزدی، محمد سعید. (۱۳۹۳). رویکردی نوین به بازآفرینی شهرخلاق. نقش جهان - مطالعات نظری و فناوری‌های نوین معماری و شهرسازی، ۴(۲): ۵۴-۶۳.
- صفوی، یحیی؛ ضرابی، اصغر و سهیلی پور، مهدی. (۱۳۹۷). ارائه مدلی در تبیین ابعاد اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی توسعه در تحقق شهرخلاق مطالعه موردی: شهر اصفهان، تحقیقات جغرافیایی، ۳۳(۲): ۱۴۵-۱۵۷.

- ضرابی، اصغر؛ موسوی، میرنجف و باقری کشکولی، علی. (۱۳۹۳). بررسی میزان تحقق‌پذیری شهرخلاق (مقایسه تطبیقی بین شاخص‌های توسعه پایدار شهری و معیارهای ایجاد شهرخلاق، نمونه مورد مطالعه: شهرهای استان یزد)، جغرافیا و توسعه شهری، ۱(۱): ۱-۱۷.
- فتوحی مهربانی، باقر و رجایی، سید عباس. (۱۳۹۷). تحلیل الگوهای فضایی - مکانی طبقه خلاق در شهرستان‌های ایران، فصلنامه مطالعات راهبردی، ۲۱(۳): ۷-۳۲.
- فتوحی مهربانی، باقر؛ کلانتری، محسن؛ رجایی، سید عباس. (۱۳۹۵). شهرخلاق و شاخص‌های شهرخلاق ایرانی، ۱۴(۵۱): ۱۰۱-۱۱۸.
- کرمائی، مهدی؛ نوغانی دخت بهمنی، محسن و برادران کاشانی، زهرا. (۱۳۹۷). فراتحلیل کیفی مقالات پژوهشی حوزه توانمندسازی زنان روستایی و شهری در ایران، فصلنامه علمی مطالعات اجتماعی روان‌شناختی زنان، ۱۶(۲): ۳۳-۵۴.
- کلانتری، محسن؛ رجایی، سید عباس و فتوحی مهربانی، باقر. (۱۳۹۵). تحلیلی بر برخورداری کلان‌شهرهای ایران از شاخص‌های شهرخلاق، پژوهش‌های جغرافیای برنامه‌ریزی شهری، ۴(۴): ۵۸۷-۶۱۲.
- مافی، رضا؛ قدمی، محسن؛ مظاهری، محمد مهدی؛ فراهانی، فاطمه. (۱۳۹۷). ارائه الگوی مطلوب خلاق در کلان‌شهر تهران، مطالعات توسعه اجتماعی ایران، ۱۱(۱): ۳۳-۶۱.
- محمودی آذر، شیرزاد و داوودپور، زهره. (۱۳۹۷). برندسازی شهری برای تحقق شهرخلاق؛ ارائه نظریه‌ای داده بنیاد (مورد مطالعه: شهر ارومیه)، توسعه محلی روستایی - شهری (توسعه روستایی)، ۱۱(۱): ۱۱۵-۱۳۶.
- مختاری ملک‌آبادی، رضا؛ مرصوصی، نفیسه؛ علی اکبری، اسماعیل و امینی، داوود. (۱۳۹۴). شاخص‌های بومی شهرخلاق با رویکرد ایرانی اسلامی، جغرافیا، ۱۳(۴۷): ۱۶۱-۱۷۷.
- مرکز آمار ایران. (۱۳۹۵). سرشماری نفوس و مسکن ۱۳۹۵، تهران.
- مهاجر، بشیر؛ شفیع، زاهد؛ خواجه احمد عطاری، علیرضا و طغرانی، محمد تقی. (۱۳۹۹). شناسایی مؤلفه‌های کلیدی گردشگری خلاق کودک محور، مطالعه موردی: شهرخلاق صنایع‌دستی، مطالعات شهری، ۹(۳۵): ۷۵-۸۶.
- مهبویی، حجت؛ شیرانی، نادر. (۱۳۹۹). تحلیل شاخص‌های شهرخلاق و ارتباط آن با مدیریت توسعه شهری سالم مطالعه موردی: کلان‌شهر اصفهان. فصلنامه علمی - پژوهشی پژوهش و برنامه‌ریزی شهری، ۱۱(۴۱): ۱۳۱-۱۴۶.
- نجفی منش، محمدجواد؛ اشرفی، یوسف. (۱۳۹۸). راهکارهای بازآفرینی تم شهری با رویکرد نظریه شهرخلاق (نمونه موردی: منطقه ۱۲ تهران بزرگ)، اولین همایش بین‌المللی و پنجمین همایش معماری و شهرسازی پایدار، تهران.
- نظم فر، حسین؛ آفتاب، احمد؛ نظام پور، ناهید و مجنون توتاخانه، علی. (۱۳۹۵). ارزیابی و اولویت‌بندی مناطق شهری بر اساس شاخص‌های شهرخلاق (نمونه‌ی موردی: شهر سنندج). برنامه‌ریزی و آمایش فضا (مدرس علوم انسانی)، ۲۰(۴): ۲۵۹-۲۸۶.
- نظم فر، حسین؛ علوی، سعیده و عشقی چهاربرج، علی. (۱۳۹۶). سنجش میزان برخورداری سکونتگاه‌های شهری استان اردبیل از شاخص‌های شهرخلاق، جغرافیا و برنامه‌ریزی محیطی (مجله پژوهشی علوم انسانی دانشگاه اصفهان)، ۲۸(۲): ۱۶۷-۱۸۳.

- نوری همپا، سید ابوطالب؛ پروین، خیرالله؛ حبیبی، محمدحسن. (۱۳۹۹). نقش و جایگاه قانون در مدیریت شهری شهر تهران، مجله نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی، ۱۳(۱): ۲۵۰-۲۶۷.
- الیاسی، مهدی. (۱۳۹۵). مقایسه تطبیقی مناطق منتخب شهر تهران با رویکرد شهرخلاق مورد پژوهی: کلان شهر تهران، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده مدیریت و حسابداری، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران.
- Bergdah, E. (2019). **Is meta-synthesis turning rich descriptions into thin reductions? A criticism of meta-aggregation as a form of qualitative synthesis.** *Nursing Inquiry*, 26 (1): 1-8.
- Casadei P, & Lee N. (2020). **Global cities, creative industries and their representation on social media: A micro-data analysis of Twitter data on the fashion industry.** *Environment and Planning A: Economy and Space*, 52(6): 1195-1220.
- Chang J.Y. (2019). **State participation and artistic autonomy in creative city making.** *Environment and Planning A: Economy and Space*, 51(1): 226-243.
- Dadpour, S. (2011). **Attracting Creative Class to Tehran City.** *Soffeh*, 21(4): 51-66. (In Persian)
- DCMS (2001). *Creative Industries Mapping Document*. Londo: DCMS.
- Florida, R. (2002). **The Rise of the Creative Class.** New York: Basic Books.
- Florida, R. (2005). **Cities and the creative class.** London: Routledge.
- Florida, R. (2008). **Who's your city? How the Creative Economy is Making Where to Live the Most Important Decision of Your Life.** New York: Basic Books.
- Florida, R. (2012). **The Rise of the Creative Class. Revisited.** New York: Basic Books.
- Fotouhi Mehrabani, B. & Rajaei, A. (2018). **Analysis of Spatial and Locational Patterns of Creative Class in Iranian Provinces.** *Strategic studies quarterly*, 21(3): 7-32. (In Persian)
- Fusco Girard, L. (2011). **Creativity and the Human Sustainable City: Principles and Approaches for Nurturing City Resilience.** In Fusco Girard, L. Baycan, T. & Nijkamp, P. (Eds.), *Sustainable City and Creativity: Promoting Creative Urban Initiatives.* USA: Ashgate Publishing Company, 55-96.
- Goldberg-Miller, S. B. (2019). **Creative city strategies on the municipal agenda in New York City.** *Culture and Society*, 17, 26-37.
- Hall, P. (2004). **Creativity, culture, knowledge and the city.** *Built Environment*, 30(3): 256-258.
- Hoyman, M. & Christopher, F. (2009). **It Takes a Village: A Test of the Creative Class, Social Capital, and Human Capital Theories.** *Urban Affairs Review*, 44 (3): 311-333.
- Khoo, S. L. (2020). **Towards an inclusive creative city: How ready is the Historic City of George Town, Penang?** *City, Culture and Society*, 23, 100367.
- Kong, L. (2014). **Transnational mobilities and the making of creative cities.** *Theory, Culture & Society*, 31(7): 279-289.
- Landry, C. (2000). **The Creative City: A Toolkit for Urban Innovators.** London: Earthscan.
- Mahmoudi Azar, S. & Davoudpour, Z. (2018). **Urban Branding For the Realization of the Creative City; Providing a Fundamental Data Theory (Case Study Urmia City).** *Journal of community development (rural and urban communities)*, 11 (1): 115-136. (In Persian)
- Markusen, A. (2006). **Urban development and the politics of a creative class: Evidence from a study of artists.** *Environment and Planning A*, 38(10): 1921-1940.

- Nkula-Wenz, L. (2019). **Worlding Cape Town by design: Encounters with creative cityness**. *Environment and Planning A: Economy and Space*, **51(3)**: 581-597.
- O'Connor, J. Gu, X. & Lim, M. K. (2020). **Creative cities, creative classes and the global modern**. *City, Culture and Society*, **21**, 100344.
- Pourzakarya, M. & Fadaeinezhad Bahramjerdi, S. (2019). **A Restudy of Culture-Led Regeneration Approach in Creative City Building Developing an Analytical Framework for the Regeneration of Cultural and Creative Quarter**. *Bagh-e nazar*, **16(77)**: 5-14.
- Pratt, A.C. (2008). **Creative cities: The cultural industries and the creative class**. *Geografiska Annaler, Series B, Human Geography*, **90(2)**: 107-117
- Ring, N. Jepson, R. & Ritchie, K. (2011). **Methods of synthesizing qualitative research studies for health technology assessment**. *International Journal Technology Assess Health Care*, **27(4)**: 384-390.
- Rodriguesa, R. Francob,M. (2020), **Networks and performance of creative cities: A bibliometric analysis**, *City, Culture and Society*, Volume 20, 100326.
- Rugkhapan, N.T. (2021). **Learn from elsewhere: A relational geography of policy learning in Bangkok's Creative District**. *Environment and Planning A: Economy and Space*, **53(8)**: 1952-1973.
- Valeriu, J. Moldoveanu,M. (2016), **Creative Cities-A Model of Sustainable City Planning, Economic Dynamics and Sustainable Development-Resources,Factors,Structures and Policies**,vol.2,pp.31-36

